



میلاد امام باکی و روشنایی،
ستاره راهنمای بشریت
حضرت امام هادی(ع) تهنیت باد

دوشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۴۰۵ سال بیستم شماره ۳۵۵۶ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

۲ گزارش

واکوی طرح آمریکا برای بازتعریف کریدور ترانزیتی؛ زنگزور کانون تنش جدید در قفقاز پس از پایان منازعه‌ی ایران با آمریکا

طرح نو؛ سردبیر
در چشم‌انداز ژئوپلیتیک دگرگون‌شده‌ی قفقاز جنوبی، «کریدور زنگزور» بار دیگر به موضوعی داغ بدل خواهد شد! اما این بار نه به عنوان یک پروژه صرفاً ترانزیتی، بلکه به مثابه میدانی بالقوه برای تقابل قدرت‌ها در دوران پس از فروکش کردن تنش‌های منطقه‌ای. به نظر بیشتر کارشناسان امر پس از اتمام منازعه‌ی نظامی میان ایران و ایالات متحده، تحولاتی که در قفقاز جنوبی رخ خواهد داد، می‌تواند ماهیت رقابت‌ها را دگرگون سازد. در چنین شرایطی، کریدور زنگزور، که قرار است جمهوری آذربایجان را از طریق خاک ارمنستان به برون‌بوم نخجوان متصل کند، به کانون تنش‌ی جدید میان غرب و شرق تبدیل خواهد شد؛ تنش‌ی که ریشه‌های آن در جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای و موازنه قوا در دوران پس-آمریکایی نهفته است.

در این منظومه، گزارش‌هایی مبنی بر تمایل ایالات متحده آمریکا برای مدیریت این کریدور، با هدف احتمالی تضعیف نفوذ سنتی روسیه و ایجاد یک محور اتصال غربی-آذربایجانی، اهمیت مضاعف می‌یابد. این امر، در صورت تحقق، می‌تواند یکی از ریشه‌دارترین اختلافات میان باکو و ایروان را حل و فصل کند، اما همزمان، ایران و روسیه را در موقعیتی چالش‌برانگیز قرار می‌دهد که نگران گسترش نفوذ غرب در مجاورت مرزهای خود و از دست دادن اهرم‌های منطقه‌ای‌اش خواهد بود.

ابعاد فنی و امنیتی طرح واشینگتن

ایالات متحده در طرحی که برای کریدور زنگزور تدوین ...

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

۸ سرمقاله

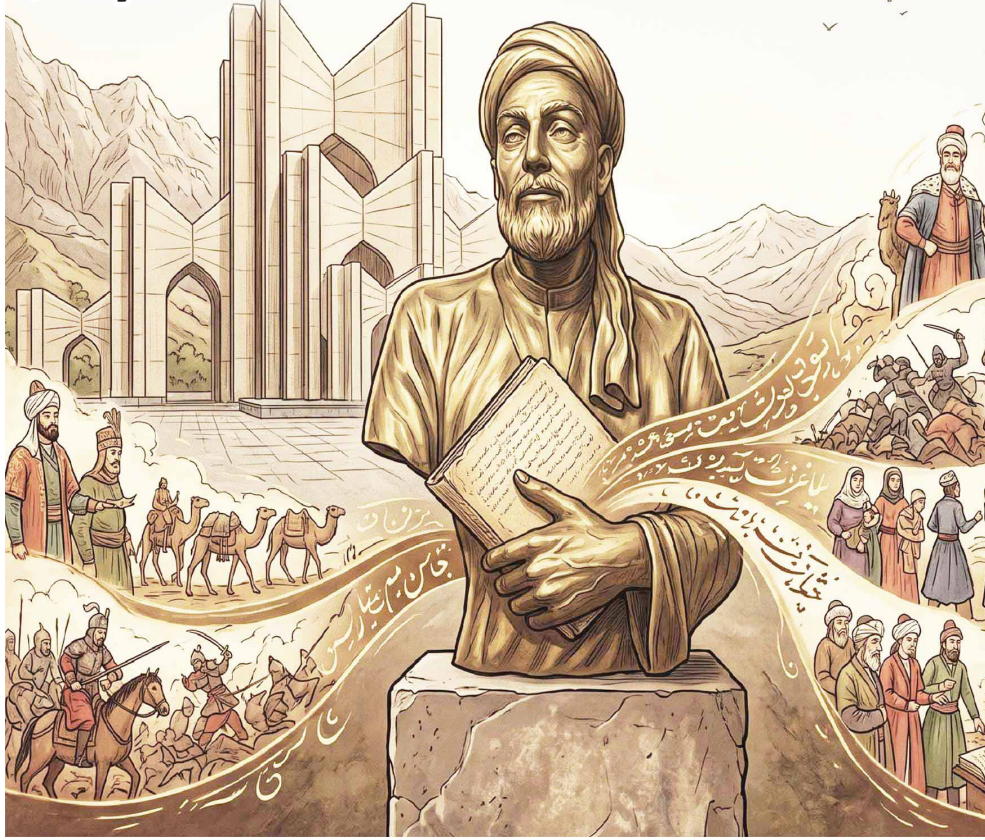
جامعه خوب از شهروند خوب آغاز می‌شود

طرح نو؛ شیوا صفری
در سخن گفتن از توسعه، پیشرفت و ساختن آینده‌های بهتر، معمولاً نگاه‌ها به سوی نهادهای بزرگ، سیاست‌گذاری‌های کلان و برنامه‌های دولتی می‌رود؛ اما حقیقت آن است که هیچ جامعه‌ای صرفاً با تصویب قانون، صدور بخشنامه یا ساختن زیرساخت‌ها به جامعه‌ای مطلوب تبدیل نمی‌شود. زیربنای هر جامعه سالم و پویا، پیش از هر چیز، شهروندان آن جامعه هستند؛ انسان‌هایی که با رفتار، انتخاب، مسئولیت‌پذیری و نگاه اخلاقی خود، سیمای امروز و فردای کشورشان را شکل می‌دهند. جامعه خوب، محصول شهروند خوب است. این گزاره شاید ساده به نظر برسد، اما در دل خود حقیقتی عمیق و تعیین‌کننده دارد. ما در جهانی زندگی نمی‌کنیم که در آن سرنوشت اجتماعی، مستقل از رفتارهای فردی ما رقم بخورد. هر تصمیم روزمره ما، از نحوه رانندگی و رعایت حقوق دیگران گرفته تا مصرف آب، برق، منابع عمومی و حتی شیوه سخن گفتن با همسایه و همکار، جزئی از فرایند ساختن یا فرسودن جامعه است. به بیان روشن‌تر، ما همان جامعه‌ای را می‌سازیم که خود در آن زندگی می‌کنیم.....

طرح نو بررسی می‌کند:

قطران تبریزی؛ راوی خاموش سده‌ی پنجم

در صفحه ۶



۳ ورزش

بزرگ‌ترین دغدغه امیر قلعه‌نویی در آمریکا؛ این ۴ نفر را چطور انتخاب کنیم؟!

۲ سیاست

آیا نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در مسیر سقوط است؟

«نتانیاهو» با پرونده‌های سه شعبه‌ی فساد

محصولات، معرفی توانمندی‌های محلی و اجرای برنامه‌های فرهنگی و گردشگری برپا شده بود، یادآور شد: جمعیت هلال احمر در استقرار و راه‌اندازی چادرها مشارکت داشت و اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی نیز در تأمین تجهیزات و پشتیبانی اجرایی نقش‌آفرینی کرد.

وی استقبال علاقه‌مندان به گردشگری روستایی و آیین‌های بومی از رویداد گردشگری روستایی با محوریت غذاهای سنتی در روستای «بای‌شهری» مراغه را خوب توصیف کرد و ادامه داد: این رویداد گامی مهم و مؤثر در راستای توسعه گردشگری منطقه و معرفی ظرفیت‌های روستای بای شهری است.

رویدادهای گردشگری روستایی در توسعه اقتصادی و معیشت خانوارها تأثیر گذار است

یکی از غرفه داران شرکت‌کننده در جشنواره بای شهری در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا، اظهار داشت: ما از منطقه بای‌شهری در شمال شهرستان مراغه در این جشنواره که به همت اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی برگزار شده، شرکت کرده‌ایم و بسیار امیدواریم چنین رویدادهایی به صورت زمان بندی شده و منظم برگزار شود.

خانم درستکار با اشاره به تجربه حضور خود در این جشنواره، گفت: امسال دومین سالی است که با هدف معرفی صنایع دستی و فرهنگ بومی منطقه بای شهری در این جشنواره حضور می‌یابیم و خوشبختانه استقبال از آثار و وضعیت گردشگری منطقه بسیار مطلوب و عالی است.

وی ادامه داد: در ساعات ابتدایی آغاز به کار جشنواره شاهد بارش باران بودیم که طراوت بیشتری به منطقه داد، اما شرایط جوی در ساعات بعدازظهر بهبود یافت و این رویداد در هوای بسیار دلپذیری برگزار شد که برای گردشگران نیز بسیار لذت بخش است.

درستکار ضمن دعوت از مردم آذربایجان شرقی و سایر استان‌ها و شهرها برای حضور در منطقه زیبای بای شهری و بهره‌مندی از جاذبه‌های طبیعی منطقه، افزود: از همه گردشگران و طبیعت‌دوستان تقاضا داریم که با پرهیز از رهاسازی زباله در دامن طبیعت، در حفظ و صیانت از این سرمایه‌های ملی کوشا باشند تا زیبایی‌های بکر این مناطق برای آیندگان نیز باقی بماند.

به گفته وی برگزاری جشنواره‌های صنایع‌دستی و هنرهای سنتی با هدف احیای سنت‌های بومی و رونق صنعت گردشگری، نقش مؤثری در معرفی خرده‌فرهنگ‌های مناطق مختلف ایران دارد. درستکار با بیان اینکه توسعه روستاها یا صنعت گردشگری تسریع می‌شود، کمک به معیشت خانوارها و پیشرفت اقتصادی شهرستان را از مزیت‌های برگزاری چنین رویدادهایی برشمرد.

روستای «بای‌شهری» (شهر تابستان) در انتهای دره سرسبز دهستان سراچی غربی و شمال شرق کهن‌شهر مراغه قرار دارد؛ که به دامنه جنوبی کوه «سهند» ختم می‌شود.

این دره با چشم‌انداز کوه‌ها، صخره‌ها، باغ‌ها و رودخانه پرخروش «صوفی‌چای» که از میان آن می‌گذرد، با آب و هوای خنک یکی از مناطق مهم توریستی گردشگری شهر مراغه در تابستان و سایر فصول محسوب می‌شود. / ایرنا

برای تمام روستاهای دارای مزیت های گردشگری در بخش مرکزی این شهرستان اجرایی خواهد شد.

وی با قدردانی از مشارکت نهادهای اجرایی و اهالی روستای بای شهری در اجرای رویداد فوق، افزود: این رویداد با هم‌افزایی اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، بخشداری و جمعیت هلال‌احمر شهرستان مراغه با هدف معرفی قابلیت‌های روستایی برگزار شد که حضور اصحاب رسانه از مهمترین ویژگی‌های این رویداد بود.

امیدی با اشاره به اینکه توسعه گردشگری تنها به روستای بای‌شهری محدود نمی‌شود، گفت: از تمام شوراهای اسلامی و دهیاران مناطق مختلف بخش مرکزی مراغه درخواست داریم با شناسایی و اولویت‌بندی ظرفیت‌های گردشگری روستای خود، جذب توریست را به عنوان یکی از برنامه‌های راهبردی و محوری در دستور کار قرار دهند.

وی ادامه داد: میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به عنوان متولی اصلی این جشنواره با همراهی موثر هلال‌احمر در تجهیز محل برگزاری، اداره ورزش و جوانان، دهیاری و شورای اسلامی بای‌شهری، شرکت تعاونی روستا و جامعه دهیاران بخش توانستند با مشارکت خودجوش اهالی، الگوی موفق‌ی از تعامل دستگاه‌های اجرایی و مردم را به نمایش بگذارند.

بخشدار مرکزی مراغه ابراز امیدواری کرد با تداوم این‌گونه اقدامات و تقویت زیرساخت‌های محلی، شاهد رونق بیش از پیش اقتصاد روستایی و ماندگاری گردشگران در این منطقه باشیم.

رویدادهای گردشگری روستایی باید متعدد برگزار شود

دهیار روستای «بای شهری» نیز در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا، برنامه ریزی برای اجرای رویداد گردشگری این روستا را حاصل تعامل و همکاری نزدیک بخشداری، هلال احمر، میراث فرهنگی، اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، اداره محیط زیست و سایر نهادها و ادارات مرتبط عنوان کرد و افزود: این همکاری‌ها باید همچنان تداوم یافته و برای فصول بعد و سال‌های آینده چنین رویدادهایی با قابلیت‌های بیشتر و همراهی بیشتر رسانه‌ها برگزار شود.

نایبی، معرفی ظرفیت‌های گردشگری، احیای آیین‌های سنتی و ترویج فرهنگ بومی را عمده‌ترین اهداف این جشنواره عنوان کرد. به گفته وی به دلیل نامساعد بودن شرایط جوی، برگزاری برنامه‌ها در ساعات پیش از ظهر با وقفه و اختلال همراه بود، اما از بعد از ظهر و با بهبود وضعیت هوا، بخش‌های مختلف رویداد به صورت منظم و مطلوب برگزار شد.

نایبی با بیان اینکه در این جشنواره حدود ۲۷ چادر برای عرضه



تعداد پاسخگویی پتانسیل‌های موجود نیست و ما به دنبال ایجاد زیرساخت‌های نوین، تقویت بازارچه‌های محلی و احیای هویت روستایی هستیم تا بتوانیم چهره اقتصادی روستاها را تغییر دهیم.

کریمی ادامه داد: در حال حاضر تعداد ۱۲۰ پروژه سرمایه‌گذاری گردشگری در سطح آذربایجان شرقی با حجم سرمایه‌گذاری بیش از یکپنجاه و ۶۰۰ میلیارد ریال در دست اجراء است که میانگین پیشرفت فیزیکی آنها حدود ۵۰ درصد است.

وی سهم شهرستان مراغه از پروژه‌های فوق را ۱۵ مورد اعلام کرد که در حوزه‌های مختلف بومگردی، هتل‌سازی، تفرجگاه‌ها و سایر زمینه‌ها فعال است.

کریمی تقویت رویدادهای محوری در حوزه گردشگری روستایی را یکی از رویکردهای اصلی معاونت گردشگری آذربایجان شرقی عنوان و اضافه کرد: در راستای معرفی فرهنگ بومی، برنامه‌ریزی برای اجرای ۸۲ رویداد در سالجاری و جشنواره‌های بوم‌گردی انجام شده که ۵۰ درصد آن‌ها در فضای روستایی برگزار می‌شود که نشان‌دهنده اولویت این مناطق در تقویم رویدادهای گردشگری استان است.

توسعه گردشگری روستایی راهبرد اصلی بخشداری مرکزی مراغه است

بخشدار مرکزی شهرستان مراغه نیز به ایرنا، گفت: توسعه گردشگری روستایی و توجه به داشته‌های فراوان این حوزه اولویت اصلی و رویکرد راهبردی این مجموعه است. یوسف امیدی با تأکید بر لزوم نقش‌آفرینی شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها در توسعه صنعت گردشگری، یادآور شد: هدف از برگزاری جشنواره‌های بومی و محلی در روستاها، ایجاد تعامل فرهنگی میان گردشگران و جوامع روستایی است و این راهبرد

روستای احیای سنت‌های غذایی منطقه و معرفی جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی آن فرصتی برای جذب گردشگران و رونق اقتصادی در جوامع محلی فراهم می‌آورد.

آذربایجان شرقی ۲۷۰ واحد بومگردی دارد

معاون گردشگری مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا، ضمن تأکید بر سیاست‌های کلان وزارتخانه بر توسعه گردشگری روستایی، از برنامه‌ریزی ویژه این معاونت برای شکوفایی ظرفیت‌های نهفته در روستاهای استان و شهرستان مراغه خبر داد. کیومرث کریمی با اشاره به شعار محوری وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مبنی بر توجه ویژه به گردشگری روستایی، اظهار کرد: هدف ما فراتر از یک شعار است و به دنبال ایجاد جریانی هستیم که گردشگران را به عمق روستاها و آشنایی با محصولات بومی و اصالت‌های محلی هدایت کند.

به گفته وی این رویکرد به مسافران و گردشگران کمک می‌کند تا با نگاهی متفاوت سفر خود را به مقصد روستاهای هدف گردشگری برنامه‌ریزی کنند.

کریمی با اشاره به رویکرد حمایتی در قانون بودجه سالجاری از صنعت گردشگری، از اعطای بسته‌های تشویقی و تسهیلات مالی خبر داد و افزود: برای حمایت از توسعه زیرساخت‌های گردشگری، دولت برای علاقه‌مندانی که قصد راه‌اندازی اقامتگاه‌های بوم‌گردی دارند، وام‌ها و مشوق‌های ویژه‌ای در نظر گرفته است که به سرمایه‌گذاران و متقاضیان واجد شرایط اختصاص خواهد یافت.

وی بیان اینکه در حال حاضر تعداد ۲۷۰ واحد بوم‌گردی در نقاط مختلف آذربایجان شرقی فعال است، اظهار کرد: با توجه به ظرفیت‌های بی‌پایان استان در حوزه‌های مختلف گردشگری، این

طرح نو؛ گروه گزارش
گردشگری روستایی به عنوان یکی از عناصر اصلی و مهم توسعه صنعت گردشگری آذربایجان شرقی و به خصوص شهرستان مراغه، از اهمیت خاصی برخوردار است و این حوزه بسان گنج نهفته در پویایی، ترقی و توسعه اقتصادی منطقه به شمار می‌رود که تاکنون از این مزیت بالقوه غفلت شده است.

طبیعت زیبا، آب‌های روان، محصولات متنوع و متعدد، فرآورده‌های مختلف لبنی، صنایع دستی، اماکن و ابنیه‌های تاریخی بشمار و مردمانی مهمان‌نواز، صمیمی و خوش‌قلب از جمله هزاران خصوصیت مناطق روستایی کشور به خصوص آذربایجان شرقی است که در صورت اندکی توجه و ارایه تسهیلات مالی و راهنمایی‌های فنی و اصولی، توسعه گردشگری روستایی می‌تواند به یکی از منابع درآمدی سرشار از گردشگری تبدیل شود.

مراغه به عنوان دومین شهرستان بزرگ و پرجمعیت آذربایجان شرقی با آب و هوای دل‌انگیز، روستاهای مختلف با تنوع زیست بومی و برخورداری از مزیت‌های فراوان گردشگری می‌تواند به یکی از مناطق مقصد گردشگری در ایران خود را معرفی کند، اما مسافانه تاکنون اقداماتی درخور و شایسته برای توسعه صنعتی گردشگری روستایی در این منطقه به انجام نرسیده است.

این شهرستان با بیش از ۱۷۰ روستا که اغلب در دامنه‌های ارتفاعات سهند قرار گرفته‌اند، گنجینه‌ای سرشار از موهبت‌های الهی است که گردشگران را در طول سال به ویژه فصول بهار و تابستان به سوی خود فرامی‌خواند.

توجه به تبلیغات و اطلاع‌رسانی، برگزاری همایش‌ها، جشنواره‌ها و رویدادهای ملی و محلی، برپایی اینفو توره‌های گوناگون برای اقشار مختلف و تأثیرگذار در صنعت گردشگری و توجه به توسعه زیرساخت‌ها همچون هتل‌سازی، توسعه بومگردی‌های روستایی و ارایه خدمات مطلوب از سوی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری باید جزو اولویت‌های آذربایجان شرقی و شهرستان مراغه برای توسعه صنعت گردشگری روستایی قرار بگیرد.

برگزاری دومین رویداد گردشگری روستایی با محوریت غذاهای سنتی در روستای «بای‌شهری» مراغه، با هدف معرفی ظرفیت‌های بومی و تقویت صنعت گردشگری در روستاها از جمله اقدامات بسیار خوب و تأثیرگذار بخشداری مرکزی و میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بود که انتظار می‌رود چنین رویدادهایی نه در سال‌ها و فصول خاص، که هر هفته برای هر روستای دارای ظرفیت گردشگری برگزار شود.

روستای «بای‌شهری» که در ۲۷ کیلومتری شمال شهر مراغه واقع شده است، به دلیل برخورداری از موقعیت جغرافیایی ویژه و توپوگرافی خاص کوهستانی یکی از مناطق مستعد و توریست‌پذیر این شهرستان محسوب می‌شود و برگزاری رویداد فوق در

اخبار

استاندار اعلام کرد:

جهش خورشیدی آذربایجان شرقی تا پایان تابستان



طرح نو؛ گروه خبر

وی با قدردانی از تلاش‌های صنعت برق آذربایجان شرقی در تأسیس و بهره‌برداری از ۵ نیروگاه در شهرهای بناب، هریس و عجب‌شیر، اظهار کرد: بر اساس اعلام مسئولان صنعت برق استان، ظرفیت تولیدی نیروگاه‌های خورشیدی استان تا پایان خرداد جاری، به ۱۳۰ مگاوات خواهد رسید.

سرمست بر ضرورت استفاده از فضاهای عمومی برای توسعه ظرفیت‌های نیروگاه‌های خورشیدی تأکید کرد و افزود: باید از ظرفیت‌های فضاهای دانشگاهی، اداری و عمومی جهت استفاده برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی استفاده کنیم. در همین راستا نیروگاه دانشگاه شهید مدنی آذربایجان ۶۵ مگاوات تا پایان مهر بهره‌برداری می‌شود. دانشگاه صنعتی تبریز هم برای ۲۰ مگاوات برنامه‌ریزی کرده که تا پایان مهر ۹ مگاوات آن را به نتیجه خواهد رساند.

وی اظهار کرد: دانشگاه مراغه هم برای ساخت و بهره‌برداری از ۹ مگاوات نیروگاه خورشیدی برنامه‌ریزی کرده که جمعا همه این طرح‌ها ۴۵۰ مگاوات را پوشش می‌دهد.

استاندار آذربایجان شرقی به مشکل ناترازی انرژی اشاره کرد و گفت: باید تلاش کنیم هم با صرفه‌جویی، هم مدیریت بهینه منابع و هم بهره‌برداری از انرژی‌های تجدیدپذیر مشکلات ناترازی انرژی را کاهش دهیم.

استاندار در پایان گفت: نیروگاه‌های خورشیدی علاوه بر تامین برق، در حفظ محیط زیست نقش بسیار مهمی دارند. اهمیت توجه به محیط‌زیست و مسأله آب، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی را پراهمیت می‌کند.

استاندار آذربایجان شرقی بیان اینکه تلاش‌ها برای توسعه زیرساخت‌های صنعت برق استان اعم از پست‌های فوق توزیع و نیروگاه‌های مختلف تولید برق ادامه دارد، گفت: توسعه ظرفیت‌های نیروگاه‌های خورشیدی استان تا دوام خواهد داشت و تا پایان شهریور ۲۵۰ مگاوات نیروگاه جدید به بهره‌برداری خواهد رسید.

سرمست در مراسم بهره‌برداری از ۵ نیروگاه خورشیدی در بناب، هریس و عجب‌شیر جمعا به ظرفیت ۱۶ مگاوات، افزود: ما در راستای سیاست‌های دولت چهاردهم برای حمایت از توسعه زیرساخت‌های نیروگاه‌های خورشیدی تلاش می‌کنیم و در استان تاکنون ۳ هزار و ۱۷۰ مگاوات مجوز احداث نیروگاه خورشیدی صادر شده است.

مدیرعامل آب منطقه ای آذربایجان شرقی خبر داد:

افزایش ۸۷ سانتی متری تراز دریاچه ارومیه



طرح نو؛ گروه خبر

یوسف غفارزاده اظهار کرد: با توجه به بارندگی های مناسب ماه های گذشته اکنون این تراز نسبت به ابتدای سال آبی امسال (مهر ماه سال ۱۴۰۴) بیش از ۱۶۳ سانتی متر افزایش دارد.

وی افزود: اکنون وسعت دریاچه ارومیه به سه هزار و ۱۶۰ کیلومترمربع رسیده که نسبت به سال قبل بیش از ۲ هزار و ۶۷۰ کیلومترمربع مساحت آن افزایش یافته است.

غفارزاده ادامه داد: اکنون حجم این تگین آبی شمال غرب کشور به ۴.۲ میلیارد متر مکعب رسیده است که نسبت به چند سال گذشته رکورد محسوب می شود.

حوضه آبریز دریاچه ارومیه یکی از ۶ حوضه آبریز اصلی کشور است که روند خشکیدن و کاهش تراز آبی آن از اواخر دهه ۷۰ آغاز شده و سالانه ارتفاع آن حدود ۴۰ سانتی متر کاهش یافته است.

مدیرعامل آب منطقه ای آذربایجان شرقی و عضو ستاد احیا دریاچه ارومیه گفت: تراز کنونی دریاچه ارومیه نسبت به سطح دریای آزاد به یکهزار و ۲۷۱ متر و ۱۳ سانتی متر رسیده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از ۸۷ سانتی متر افزایش

آیا نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در مسیر سقوط است؟

«نتانياهو» با پرونده‌های با سه شعبه‌ی فساد



طرح نو؛ سردبیر

یکی از جنجالی‌ترین چهره‌های سیاسی رژیم صهیونی، بنیامین نتانياهو، ند وقتی هست که اسیر دادگاه و پرونده‌های مختلف است؛ البته نه برای مسائل امنیتی یا تصمیمات جنگی که عامل شهادت و کشته شدن هزاران زن و مرد در لبنان، فلسطین، ایران، سوریه و... بود، بلکه به اتهام فساد مالی، اختلاس و سوءاستفاده از قدرت. روند محاکمه‌ای که از مدت‌ها پیش آغاز شده، حالا وارد فاز حساسی شده است. فازی که می‌تواند سرنوشت سیاسی یکی از ماندگارترین نخست‌وزیران تاریخ این رژیم را تعیین کند.

پرونده‌های با سه شعبه فساد

نتانياهو در مقابل دادگاه با سه پرونده اصلی مواجه است؛

پرونده ۱۰۰۰: دریافت هدایای گران‌قیمت از سرمایه‌داران در ازای خدمات سیاسی.

پرونده ۲۰۰۰: تلاش برای توافق رسانه‌ای با روزنامه «یدیوت آحرنون» به‌منظور پوشش مطلوب در ازای محدود کردن رقیب رسانه‌ای؛

و پرونده ۴۰۰۰: منتهم به اعطای امتیازات مالی به شرکت مخابراتی «بزک» در برابر پوشش رسانه‌ای مثبت توسط وب‌سایت خبری والا.

این اتهامات، ماهیت روابط پیچیده میان قدرت سیاسی، رسانه و سرمایه در اسرائیل را برملا کرده‌اند و حالا دستگاه قضایی این کشور باید تصمیم بگیرد که آیا نتانياهو صرفاً یک سیاستمدار باهوش است یا یک منتم بزرگ؟

گفتنی است که دادستانی در سوم ژوئن روند بازجویی از نتانياهو در همین پرونده را آغاز کرده بود. در مراحل قبل، دادستانی ابتدا پرونده ۴۰۰۰ را مطرح کرده بود؛ پرونده‌ای که در آن نتانياهو منتم است در ازای دریافت پوشش رسانه‌ای مطلوب در وب‌سایت «الوا»، تسهیلات اقتصادی گسترده‌ای به شرکت مخابراتی «بزک» واگذار کرده است. دادستان‌ها پرونده ۴۰۰۰ را مهم‌ترین پرونده از نظر شواهد علیه نتانياهو می‌دانند، هرچند قضات پیش‌تر توصیه کرده بودند اتهام رشوه از این پرونده حذف شود؛ اتهامی که سنگین‌ترین بند کیفرخواست به شمار می‌رود.

نتانياهو در مجموع با اتهامات فساد، رشوه و خیانت در امانت در سه پرونده روبروست. کیفرخواست رسمی علیه او در نوامبر ۲۰۲۳ صادر شد. در پرونده ۲۰۰۰، نتانياهو منتم است با «آرتون موزس» ناشر روزنامه «یدیوت آحرنون»، درباره دریافت پوشش رسانه‌ای مثبت مذاکره کرده است. نتانياهو اخیراً موضع خود را درباره پرونده افشای اسناد امنیتی محرمانه تغییر داده است. این اسناد

که در نوامبر ۲۰۲۴ افشا شد، ابتدا با انکار نتانياهو همراه بود و او مدعی شد از طریق رسانه‌ها از آن مطلع شده؛ اما وی بعدها در حساب کاربری‌اش در شبکه اجتماعی «ایکس» (توییتر سابق) اعلام کرد که «در جریان کامل جزئیات قرار داشته است.»

نتانياهو؛ سیاستمداری ماندگار، منتمی سنج

نتانياهو رکورددار طولانی‌ترین دوران نخست‌وزیری در تاریخ سرزمین‌های اشغالی است. او با تکیه بر گفت‌وگو، امنیت، ایران‌هراسی، و اتکای گسترده بر جریان‌های راست‌گرا، توانسته سال‌ها قدرت را در دستان خود نگه دارد. اما آنچه او را از دیگر سیاستمداران متمایز می‌کند، توانایی ترکیب رسانه، لابی‌گری، و پوپولیسم راست‌گرایانه برای حفظ قدرت است. با این حال، همین ساختار پیچیده از روابط پنهان با رسانه‌ها و سرمایه‌داران، امروز به ابزاری برای تعقیب قضایی‌اش تبدیل شده است.

پیامدهای سیاسی محاکمه

به نظر کارشناسان امر، پیامدهای سیاسی محاکمه‌ی نتانياهو برای رژیم صهیونیستی عمیق‌تر از چیزی است که تصور می‌شود. از جمله؛

- ۱- دو قطبی شدیدتر در سیاست اسرائیل: جریان راست و حامیان لیکود این محاکمه را سیاسی و «دولت‌عمیق‌محور» می‌دانند، در حالی که جریان چپ و میانه آن را گامی در جهت شفاف‌سازی ساختار قدرت تلقی می‌کنند.
- ۲- بحران مشروعیت در دستگاه قضایی و سیاسی: اتهامات مطرح‌شده علیه نخست‌وزیر سابق در کنار

بحران‌های داخلی، تصویری از زوال تدریجی مشروعیت نهادهای سیاسی در اسرائیل را به نمایش می‌گذارد.

۳- اختلال در تمرکز اسرائیل بر سیاست خارجی: در بحبوحه تنش‌های منطقه‌ای و درگیری با محور مقاومت، پرونده نتانياهو باعث شده تمرکز سیاست داخلی اسرائیل به‌جای مسائل استراتژیک، بر اختلافات و اتهامات شخصی متمرکز شود.

نتانياهو؛ در چهارراه تاریخ

بنیامین نتانياهو، متولد ۲۱ اکتبر ۱۹۴۹ در تل‌آویو، فرزند بن‌زئون، مورخ صهیونیستی، از همان ابتدا در فضایی کاملاً سیاسی و ایدئولوژیک رشد کرد. او بخشی از تحصیلات خود را در ایالات متحده گذرانده است. سابقه‌اش در نیروهای ویژه ارتش اسرائیل و حضور فعالش در جنگ‌های مختلف، پایه‌ای شد برای ساخت چهره‌ای امنیت‌گرا و رادیکال.

نتانياهو از دهه ۱۹۹۰ وارد سیاست شد و از آن زمان تا امروز، بارها پست نخست‌وزیری، وزارت دارایی، وزارت خارجه و رهبری حزب لیکود را در اختیار داشته است. او با ترکیبی از سیاست خارجی تهاجمی، لابی‌گری جهانی، و ائتلاف‌سازی داخلی توانسته دهه‌ها قدرت را قبضه کند و تبدیل به یکی از ماندگارترین سیاستمداران تاریخ رژیم صهیونیستی شود.

اما اکنون، مردی که خود را نماد «اسرائیل قدرتمند» می‌دانست، با بزرگ‌ترین چالش عمر سیاسی‌اش روبرو است: محاکمه‌ای که بعد از شکست در جنگ ۱۲ روزه و چهل روزه با ایران، می‌تواند پایان دورانش باشد.

گزارش

واکاوی طرح آمریکا برای بازتعریف کریدور ترانزیتی؛

زنگزور کانون تنش جدید در قفقاز پس از پایان منازعه‌ی ایران با آمریکا

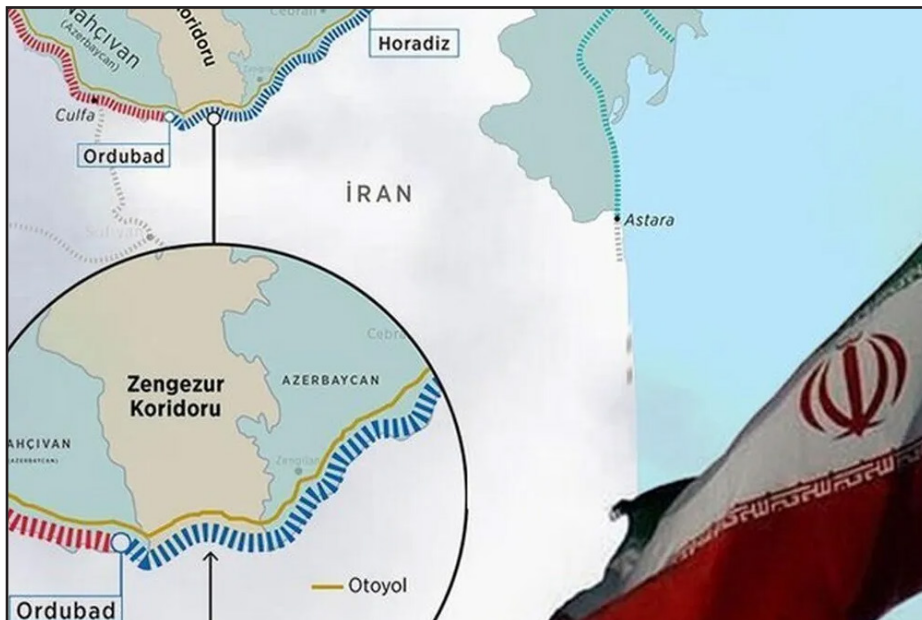
در سوی دیگر میدان، برای جمهوری آذربایجان، بهره‌مندی از کریدور زنگزور با تضمین‌های بین‌المللی می‌تواند یک پیروزی بزرگ در تکمیل زیرساخت‌های اتصال‌دهنده به نخجوان و ترکیه باشد. با این حال، تنش‌های موجود میان باکو و روسیه، این پروژه را به میدانی برای تسویه حساب‌های سیاسی تبدیل خواهد کرد. در مقابل، دولت ارمنستان که در سال‌های اخیر به دنبال متنوع‌سازی شرکای امنیتی خود و خروج از زیر سایه چتر امنیتی مسکو بوده است، مشاهده می‌کند که طرح آمریکا می‌تواند پاسخی به نیازهای حیاتی‌اش برای حفظ حاکمیت سرزمینی در برابر فشارهای احتمالی باشد.

بنابراین، کریدور زنگزور در قامت فعلی خود، دیگر نه یک پروژه حمل‌ونقلی ساده برای اتصال نخجوان به خاک اصلی آذربایجان، بلکه به نقطه‌ی تلاقی رقابت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. واشینگتن با پیشنهاد مدل مبتنی بر شرکت‌های لجستیکی تجاری و مکانیسم‌های نظارتی بین‌المللی، سعی دارد فرآیندی را کلید بزند که در آن، استانداردهای فنی و نظارتی غربی جایگزین ترتیبات سنتی امنیتی شوند. این انتقال، در صورت عملیاتی شدن، می‌تواند نقشه ژئوپلیتیکی منطقه را تغییر دهد و موازنه‌ای را که دهه‌ها تحت نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای سنتی بود، به سوی نظامی نوین با محوریت حضور مستقیم غرب هدایت کند. در چنین حالتی، ایران و روسیه برای مقابله با این چالش جدید، مجبور به بازنگری در سیاست‌های خود و ایجاد اتحادهای تاکتیکی با استراتژیک برای مهار نفوذ غرب در قفقاز جنوبی خواهند بود.

کریدور به یک شرکت لجستیکی تجاری آمریکایی واگذار شود. در همین راستا، وب‌سایت «سیویل‌نت» (CivilNet) که به دولت ارمنستان نزدیک است، با استناد به تحلیل‌های اولسیا وارثانیان از «بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل»، زوایای پنهان این مدل را آشکار کرده است. طبق این تحلیل، مدل پیشنهادی ایالات متحده بر پایه مکانیسم‌های نظارتی بین‌المللی بنا شده است که پیش‌تر برای مناطق حساس و جدایی‌طلب در گرجستان طراحی و اجرا شده بود. این یعنی واشینگتن به جای تکیه بر «نیروی حافظ صلح» با ماهیت نظامی و سیاسی همسو با مسکو، قصد دارد با «تجاری‌سازی امنیتی» و نظارت فنی بین‌المللی، ضریب نفوذ خود را در عمق استراتژیک قفقاز تثبیت کند.

پیامدهای گذار از موازنه قوا به حضور غرب

پیگیری این طرح از سوی ایالات متحده، به معنای ورود به یک بازی با حاصل‌جمع صفر در قفقاز جنوبی است. برای روسیه، از دست دادن مدیریت کریدور زنگزور به معنای از دست دادن یکی از آخرین اهرم‌های فشار و نفوذ بر روند مذاکرات صلح آذربایجان و ارمنستان و همچنین تضعیف موقعیتش در میان کشورهای حوزه دریای خزر است. در چنین سناریویی، ایران که در دوران پس از جنگ با آمریکا، نیازمند تثبیت موقعیت منطقه‌ای و جلوگیری از خلاء قدرت است، با حضور مستقیم قدرت‌های غربی در همسایگی خود مواجه خواهد شد. این امر، تنش میان تهران و غرب را تشدید خواهد کرد.



آنچه در این طرح بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، تلاش برای حذف کامل روسیه از روند نظارت و مدیریت این کریدور است. در مدل‌های پیشین که عمدتاً بر اساس توافقات آتش‌بس ۲۰۲۰ مطرح می‌شد، نقش روسیه به عنوان ضامن امنیتی و ناظر بر مسیرهای ترانزیتی محوری داشت. اما طرح پیشنهادی آمریکا، به دنبال جایگزینی کامل این الگو است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، واشینگتن پیشنهاد می‌دهد که مدیریت عملیاتی و اجرایی

کرده است، دو هدف کلان و هم‌افزا را دنبال می‌کند: نخست، ارائه تضمین‌های امنیتی به جمهوری آذربایجان جهت اطمینان از دسترسی بی‌وقفه به نخجوان و دوم، حفظ کامل حاکمیت ارمنستان بر اراضی تحت عبور این کریدور. تحلیلگران بر این باورند که این طرح به طور فعال در دوران ریاست‌جمهوری جو بایدن توسعه یافته و به عنوان یک ابزار راهبردی برای تغییر موازنه قوا در منطقه قفقاز جنوبی طراحی شده است.

طرح نو؛ سردبیر

در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی دگرگون‌شده قفقاز جنوبی، «کریدور زنگزور» بار دیگر به موضوعی داغ بدل خواهد شد! اما این بار نه به عنوان یک پروژه صرفاً ترانزیتی، بلکه به مثابه میدانی بالقوه برای تقابل قدرت‌ها در دوران پس از فروکش کردن تنش‌های منطقه‌ای. به نظر بیشتر کارشناسان امر پس از اتمام منازعه‌ی نظامی میان ایران و ایالات متحده، تحولاتی که در قفقاز جنوبی رخ خواهد داد، می‌تواند ماهیت رقابت‌ها را دگرگون سازد. در چنین شرایطی، کریدور زنگزور، که قرار است جمهوری آذربایجان را از طریق خاک ارمنستان به برون‌بوم نخجوان متصل کند، به کانون تنش‌ی جدید میان غرب و شرق تبدیل خواهد شد؛ تنش‌ی که ریشه‌های آن در جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای و موازنه قوا در دوران پس‌ا-آمریکایی نهفته است.

در این منظومه، گزارش‌هایی مبنی بر تمایل ایالات متحده آمریکا برای مدیریت این کریدور، با هدف احتمالی تضعیف نفوذ سنتی روسیه و ایجاد یک محور اتصال غربی-آذربایجانی، اهمیت مضاعف می‌یابد. این امر، در صورت تحقق، می‌تواند یکی از ریشه‌دارترین اختلافات میان باکو و ایروان را حل و فصل کند، اما همزمان، ایران و روسیه را در موقعیتی چالش‌برانگیز قرار می‌دهد که نگران گسترش نفوذ غرب در مجاورت مرزهای خود و از دست دادن اهرم‌های منطقه‌ای‌اش خواهند بود.

ابعاد فنی و امنیتی طرح واشینگتن

ایالات متحده در طرحی که برای کریدور زنگزور تدوین

بزرگ‌ترین دغدغه امیر قلعه‌نویی در آمریکا؛ این ۴ نفر را چطور انتخاب کنم؟!

طرح‌نو؛ گروه ورزش نمایش دفاعی تیم ملی در مصاف با تیم نصفه‌ونیمه گامبیا هشداردهنده و نگران‌کننده بود.

امیر قلعه‌نویی از زمانی که هدایت تیم ملی فوتبال ایران را برعهده گرفته، همواره با مشکل بزرگی مواجه بوده و هنوز هم نتوانسته ساختار دفاعی مناسبی در تیم ملی ایجاد کند. این نکته وقتی هواداران، عملکرد دفاعی تیم ملی را با دوران کارلوس کی‌روش و حتی دوران کوتاه دراگان اسکوچیچ مقایسه می‌کنند، بیشتر به چشم می‌آید. نکته نگران‌کننده اینکه امیر قلعه‌نویی، به استثنای علی نعمتی که نمایش امیدوارکننده‌ای هم مقابل گامبیا داشت، به همان نفراتی چشم دوخته که توسط کارلوس کی‌روش یا دراگان اسکوچیچ به تیم ملی راه پیدا کرده‌اند و حالا در سال‌های پایانی فوتبال‌شان باید توانایی‌هایشان محکمی حیثیتی و اساسی بخورد. در واقع امیر قلعه‌نویی با وجود اینکه نزدیک به ۴ سال برای تغییر شرایط خط دفاعی فرصت داشت، دست‌دست کرد و حالا فقط امیدوار باشد که تجربه ۴ بازیکنی که قرار است پس از سرگیجه زیاد انتخاب کند و برای حفاظت از قفس توری علیرضا بیرانوند به مصاف رقبا بفرستد، به فریاد او و خود این بازیکنان برسد. البته که در حال حاضر شرایط در هیچ‌یک از ۳ پست دفاعی و حتی خط دروازه نوبدبخت نیست.

زوج خط دفاعی؛ بالاخره کدام زوج بازی می‌کنند؟

استفاده از زوج شجاع‌خلیل‌زاده و محمدحسین کتعمانی‌زادگان در قلب خط دفاعی، ساده‌ترین انتخاب برای امیر قلعه‌نویی خواهد بود. اما کارشناسان از خطرات کند بودن این زوج می‌گویند. این‌ها نکات مهمی هستند که سبب شد امیر قلعه‌نویی بار دیگر در مصاف با گامبیا به زوج محمدحسین کتعمانی‌زادگان و علی نعمتی فرصت بدهد. عملکرد این زوج و البته تأثیری که انتخاب این دو بازیکن در پست دفاع چپ گذاشته بود، سبب شد تا



نیمه اول خوبی را پشت سر نگذارند. در نتیجه قلعه‌نویی بار دیگر در نیمه دوم به زوج خلیل‌زاده و کتعمانی‌زادگان بازگشت؛ زوجی که در یک صحنه روی حرکت تکنیکی بازیکن گامبیا به شکل عجیبی باز شدند و اگر علیرضا بیرانوند و شیرجه بلندش نبود، ایران در نیمه دوم هم گل می‌خورد.

امیر قلعه‌نویی یک انتخاب دیگر هم برای زوج خط دفاعی تیمش در دسترس دارد. البته این انتخاب مخاطره‌آلودتری از ۲ انتخاب قبلی که استفاده همزمان از خلیل‌زاده و کتعمانی‌زادگان با زوج‌سازی یکی از این دو بازیکن با علی نعمتی است، به همراه خواهد داشت. قلعه‌نویی در این روش باید از دانیال ایری در کنار خلیل‌زاده، کتعمانی‌زادگان یا حتی علی نعمتی استفاده کند. این انتخابی جسورانه است که خیلی‌ها به امیر قلعه‌نویی پیشنهاد می‌کنند. البته اگر سرمربی تیم ملی قصدی برای استفاده از دانیال ایری جوان در جام جهانی داشت، به این بازیکن در ۴ سالی که

تخصصی در اختیار دارد؛ موضوعی که باتوجه به سن بالای خلیل‌زاده و کتعمانی‌زادگان، نگران‌کننده است.

دفاع چپ و راست؛ بالاخره به کدام بازیکن بازی می‌دهی؟

مرور تصمیمات امیر قلعه‌نویی در پست دفاع چپ و راست شوکه‌کننده و یأس‌آور است. این مربی پس از جام ملت‌های ۲۰۲۳ قطر، رامین رضاییان و احسان حاج‌صفی را تا همین چند ماه پیش به طور کلی از تفکراتش کنار گذاشته بود. این زوج اما حالا در آستانه شروع جام جهانی، به شکلی عجیب و باورنکردنی، به انتخاب‌ها و اولویت‌های اول سرمربی تیم ملی بدل شده‌اند. حالا سوال اینجاست که اگر قرار بود، فقط چند سال میان بازی‌های ملی این دو بازیکن و حضورشان در اردوهای ملی فاصله بیفتد، خط زدن‌شان با چه فلسفه‌ای اتفاق افتاده است؟

طی سال‌های اخیر امیر قلعه‌نویی از نفراتی نظیر حسین گودرزی، میلاد زکی‌پور و ابوالفضل جلالی در پست دفاع چپ استفاده کرد اما در نهایت تصمیم گرفت به میلاد محمدی که البته همیشه در اردوها حضور داشت، اعتماد کند و احسان حاج‌صفی را به تیم ملی برگرداند. نورافکن هم دیگر بازیکنی بوده که در دوران امیر قلعه‌نویی در پست دفاع چپ بازی کرده اما این مربی نشان داده که به احتمال فراوان همه را در جام جهانی شوکه خواهد کرد و به نظر می‌رسد با دو پاس گلی که علی نعمتی در نیمه دوم مصاف با گامبیا ارسال کرد و نمایشی که با حضور در پست دفاع چپ داشت، این بازیکن در حال حاضر بیشترین شانس را برای حضور در دفاع چپ تیم ملی داشته باشد. این احتمالی است که با توجه به مصدومیت میلاد محمدی در آستانه جام جهانی و اشتباه بزرگی که احسان حاج‌صفی در نیمه اول مصاف با گامبیا داشت، قوت می‌گیرد؛

احتمالی که اگر عملکرد علی نعمتی و اشتباهات پرشمارش در ترکیب پرسپولیس و سپس فصل نامیدکننده‌اش در اهواز را مرور کنیم، هشداردهنده می‌شود.

در پست دفاع راست هم وضعیتی که امیر قلعه‌نویی طی ۴ سال اخیر برای خودش مهیا کرده، بهتر به نظر نمی‌رسد. این مربی نشان داده به آریا یوسفی در این پست اعتماد ندارد و با نمایشی که مدافع جوان سپاهان در پست وینگر چپ و گلزنی در ۲ بازی درون‌تیمی و همین‌طور دیدار برابر گامبیا داشت و البته گلی که رامین رضاییان با حضور در پست دفاع راست به ثمر رساند، بار دیگر شانس حضور رامین در پست دفاع راست قوت گرفته است. عجیب‌تر اینکه صالح حردانی به طور کامل مصاف با گامبیا را از روی نیمکت تماشا کرد. البته عملکرد مدافع استقلال که در بازی بعدی به احتمال فراوان به صورت ثابت بازی خواهد کرد، تکلیف بازیکن ثابت پست دفاع راست را مشخص می‌کند.

روزهای سخت در انتظار قلعه‌نویی و مدافعین آسان‌گیر

یکی از انتقادهای اصلی به عملکرد تیم ملی در مقدماتی جام جهانی گل خوردن از تیم‌های نه چندان قدرتمند آسیا بود و بارها به امیر قلعه‌نویی ایراد گرفته شد که نه در انتخاب بازیکنان خط دفاعی درست عمل می‌کند و نه توانسته ساختار مناسبی به خط دفاعی بدهد. البته که دفاع کردن یک عمل تیمی به شمار می‌رود و مهاجم راس تیم ملی در دفاع تیمی به عنوان اولین مدافع قلمداد می‌شود. با این حال مصاف با گامبیا نشان داد که بازیکنان این تیم ناماده وقتی می‌توانند از پرس بازیکنان ایران عبور کنند و دروازه علیرضا بیرانوند نه چندان آماده را باز کنند، روزهای سختی در انتظار بازیکنان دفاعی تیم ملی و در رأس آن‌ها امیر قلعه‌نویی، مقابل مهاجمان سرشناس نیوزیلند، بازیکن و مصر خواهد بود.

در آمد باشگاه‌های لیگ برتری از جام جهانی چقدر است؟

اهداف و سیاست باشگاه مس سونگون برای سال ۱۴۰۵ مشخص شد

طرح‌نو؛ یونس نهاری بیانیه مهم باشگاه مس سونگون ورزشان: آغاز فصلی نو با تکیه بر اصالت و بومی‌گرایی، باشگاه مس سونگون در آستانه فصل ورزشی ۱۴۰۵، نقشه‌راه جدید خود را با اولویت "منافع مردم آذربایجان" و "توسعه پایدار" اعلام کرد. محورهای کلیدی این تغییر راهبرد: فوتسال؛ بازگشت به ریشه‌ها؛ احیای هویت قهرمانی در ایران و آسیا از طریق تمرکز بر آکادمی، کشف استعدادهای بومی آذربایجان و تکمیل سالن اختصاصی در ورزشان. هدف، ساختن تیمی است که ریشه در خاک خود داشته باشد فوتبال؛ صیانت از منابع و زیرساخت؛ با توجه به هزینه‌های سنگین فوتبال حرفه‌ای، اولویت فعلی باشگاه بر حفظ سهمیه استان، توسعه زیرساخت‌های ورزشی و سرمایه‌گذاری بر فوتبال پایه استوار خواهد بود تا آینده‌ای حرفه‌ای و اصولی تضمین شود. مدیریت هزینه‌ها و توسعه متوازن؛ اتخاذ تصمیمات هوشمندانه برای عبور از چالش‌های اقتصادی با حمایت شرکت ملی صنایع مس ایران و تمرکز بر رشته‌های والیبال و غیره با توجه به آینده‌محور و ثبات‌بخش. شعار باشگاه مس سونگون برای سال ۱۴۰۵ موفقیت پایدار در سایه هویت، صبر و اعتماد متقابل. مس سونگون متعلق به مردم است و برای نسل‌های آینده ساخته می‌شود.

صورت قرضی از استقلال به فولاد رفت و به همین دلیل فولاد از رضاییان درآمدی نخواهد داشت. همه این پول به استقلال می‌رسد. از طرفی تیمی از درآمد مربوط به سید حسین حسینی هم به حساب استقلال واریز خواهد شد. یعنی در مجموع درآمد ۴ بازیکن به صورت کامل و یک بازیکن به صورت نصف. به این ترتیب درآمد استقلال دقیقا به اندازه درآمد پرسپولیس خواهد بود یعنی ۱،۱۳۸،۵۰۰ دلار. فولاد خوزستان هم اگر چه دو نماینده در تیم ملی دارد اما همان طور که بالاتر خواندید همه درآمد مربوط به رضاییان به استقلال می‌رسد و فولاد فقط پاداش مربوط به علی نعمتی را دریافت خواهد کرد یعنی ۲۵۳ هزار دلار. درآمد باشگاه چادرملو بابت هادی حبیبی‌نژاد و همین‌طور درآمد آلومینیوم‌اراک بابت محمد خلیفه هم همین ۲۵۳ هزار است. کسری طاهری به صورت قرضی از روبین کازان به پیکان رفته است و پیکان درآمدی بابت او نخواهد داشت. این مساله در مورد دانیال ایری هم مصداق دارد. چرا که او به صورت قرضی از ذوب آهن به ملوان رفته است و همه درآمد مربوط به او به ذوب آهن می‌رسد. این درآمد به شرطی قطعی است که این بازیکنان در لیست نهایی تیم ملی حضور داشته باشند اما این اتفاق نخواهد افتاد چون ۴ بازیکن از این جمع کنار گذاشته خواهند شد.

و علی‌علیپور. در این بین تنها نیازمند است که فصل گذشته از سپاهان به پرسپولیس آمده است و بقیه بازیکنان حداقل دو سال است که در این تیم بازی می‌کنند. به این ترتیب درآمد پرسپولیس از جام جهانی به اندازه ۴ بازیکن به صورت کامل و یک بازیکن به نصف خواهد بود یعنی ۱،۱۳۸،۵۰۰ دلار. تراکتور هم ۴ بازیکن در تیم ملی دارد: علیرضا بیرانوند، شجاع خلیل‌زاده، امیرحسین حسین‌زاده و مهدی ترابی. همه این بازیکنان در دو سال اخیر عضو تراکتور بوده‌اند و به همین دلیل تراکتور به اندازه ۴ بازیکن به صورت کامل است یعنی ۱،۰۱۲،۰۰۰ دلار. سپاهان ۳ نماینده در تیم ملی دارد: سید حسین حسینی، آریا یوسفی و امید نورافکن. حسینی در ابتدای فصل از استقلال به سپاهان آمد و بنابراین درآمد مربوط به او بین این دو باشگاه تقسیم می‌شود. امید نورافکن هم اگرچه سال گذشته به صورت قرضی از سپاهان به ملوان رفته بود اما قرارداد قرضی منفعتی برای باشگاه مقصد ندارد و به این ترتیب همه درآمد مربوط به او نصیب سپاهان می‌شود. به این ترتیب سپاهان از جام جهانی ۶۲۲،۵۰۰ دلار خواهد بود. استقلال ۳ بازیکن در تیم ملی دارد. روزبه چشمی، صالح حردانی و امیرمحمد زراقی‌نیا. اما یک نکته مهم در این میان وجود دارد. رامین رضاییان در زمستان سال گذشته به

۱۱ هزار ضرب کنیم به این نتیجه می‌رسیم که هر بازیکن برای باشگاهش ۲۵۳ هزار دلار درآمدزایی دارد. اما در این میان یک نکته بسیار مهم وجود دارد. این پول بین باشگاه‌هایی که طی دو سال آخر منتهی به جام جهانی، بازیکنی داشته‌اند که در جام جهانی بازی کرده است تقسیم می‌شود. یعنی اگر بازیکن در ابتدای فصل گذشته از یک باشگاه به باشگاه جدیدی رفته است و در جام جهانی هم حضور دارد پول حاصل از حضورش در جام جهانی بین دو باشگاه آخر او تقسیم می‌شود. به عنوان مثال این ماجرا در مورد بازیکنی مثل سیدحسین حسینی مصداق دارد و درآمد ۲۵۳ هزار دلاری حضور او در جام جهانی بین دو باشگاه سپاهان و استقلال تقسیم می‌شود. لیست نهایی تیم‌ها برای جام جهانی باید ۲۶ نفره باشد اما در حال حاضر تعداد بازیکنان حاضر در اردوی تیم ملی بیشتر از این عدد است و چند بازیکن دیگر هم از این فهرست کنار گذاشته می‌شوند. اما اگر بخواهیم بدون در نظر گرفتن این مساله درآمد باشگاه‌های لیگ برتری از حضور بازیکنان‌شان در جام جهانی را بررسی می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که پرسپولیس بیشترین درآمد را از این ماجرا خواهد داشت. در حال پرسپولیس ۵ بازیکن در اردوی تیم ملی دارد؛ پیام نیازمند، میلاد محمدی، حسین کتعمانی، امیرحسین محمودی

طرح‌نو؛ گروه ورزش در میان باشگاه‌های ایرانی، پرسپولیس و استقلال بیشترین درآمد از حضور بازیکنان‌شان در جام جهانی خواهند داشت. تنها ۱۳ روز تا آغاز رسمی مسابقات جام جهانی ۲۰۲۶ باقی مانده است و تیم ملی ایران هم باید ۱۸ روز دیگر در اولین دیدار در این مسابقات مقابل تیم ملی نیوزیلند قرار بگیرد. اعضای تیم ملی ایران در حال حاضر در آنالیا ترکیه به سر می‌برند و در حال برگزاری آخرین اردوی آماده‌سازی خودشان برای حضور در این مسابقات هستند. در این بین یکی از بحث‌های مهم درآمدی است که حضور در این مسابقات برای باشگاه‌ها ایجاد می‌کند. فیفا از یک هفته مانده به شروع جام جهانی یعنی از روز ۱۵ خرداد، برای هر بازیکنی که نامش در فهرست نهایی تیم ملی کشورش قرار بگیرد، به ازای هر روز ۱۱ هزار دلار در نظر می‌گیرد. حالا اگر در بدترین حالت فرض را بر این بگیریم که تیم ملی ایران در همان مرحله گروهی مسابقات حذف خواهد شد، بازیکنان تا روز ۶ تیر که بازی آخر مرحله گروهی را مقابل تیم ملی مصر برگزار می‌شود در جام جهانی حضور خواهند داشت و فرادای آن روز به ایران برمی‌گردند. در بدترین حالت هر کدام از بازیکنان تیم ملی ۲۳ روز در جام جهانی حضور خواهند داشت. حالا اگر این عدد را در

آنهايي که می‌روند و آنهايي که می‌آیند؛

آغاز سریع نقل و انتقالات تراکتور با چند ستاره!



این تیم به خاطر مصدومیت رباط صلیبی از میادین دور شده و در مورد خامرویکف هم خبر دقیقی در دست نیست. همچنین مهدی هاشم‌نژاد احتمالا بازیکنی است که اردوی تراکتور را به مقصد خارج از کشور ترک خواهد کرد تا فرم‌های تیریزی نیاز به خرید چهار بازیکن داشته باشند.

* دو مهاجم جدید در تراکتور

امیرحسین حسین‌زاده آقای گل دو فصل اخیر تیم تراکتور مانند مهدی هاشم‌نژاد مسیر لژیونری را خواهد پیمود و این بازیکن هم جمع سرخپوشان تیریزی را ترک خواهد کرد. به این ترتیب و باتوجه به اینکه شرایط تومیسلاو اشتراکالی و دوماگویی دروژدک مشخص نیست، خط حمله تراکتور آستان حوادث و تغییرات خواهد شد. البته باشگاه تراکتور برای زوج خط حمله تفکرات جالبی را در سر دارد که اگر به وقوع بپیوندد، برتری این تیم را حداقل روی کاغذ نسبت به سایر تیم‌ها حفظ خواهد کرد.

لیست بزرگسالان تراکتور به این شرح است:

- ۱- علیرضا بیرانوند، ۲- مارکو یوهانسون
- ۳- شجاع خلیل‌زاده، ۴- الکس سدلاز، ۵- فرشاد فرجی
- ۶- دانیال اسماعیلی‌فر، ۷- صادق محرمی
- ۸- محمد نادری
- ۹- ایگور پوستونسکی، ۱۰- اودیل خامرویکف، ۱۱- مهدی شیری، ۱۲- مهدی حسینی
- ۱۳- مهدی هاشم‌نژاد، ۱۴- مهدی ترابی، ۱۵- تیپور هلیلوویچ، ۱۶- رجبی لوزکیا
- ۱۷- امیرحسین حسین‌زاده، ۱۸- مهرداد محمدی، ۱۹- تومیسلاو اشتراکالی، ۲۰- دوماگویی دروژدک

* انقلاب در خط میانی

تراکتور در دو فصل اخیر خط میانی خود را با اتکا به بازیکنان خارجی تشکیل داده است. ایگور پوستونسکی هافبک دفاعی

را روی نیمکت خواهد داشت و به عبارتی تقریبا تکلیف کادرفنی خود را روشن کرده تا به این ترتیب فرصت خوبی برای نقل و انتقالات را در اختیار داشته باشد. البته پنجره تابستانی برای این تیم هنوز رسماً آغاز نشده اما گمانه‌زنی در مورد احتمال خرید چند بازیکن شکل گرفته است.

* خیال راحت از خط دروازه

با حضور علیرضا بیرانوند، خط دروازه تراکتور سرنوشت تقریبا مشخصی خواهد داشت. البته بیرانوند در چهار سال اخیر چهره ثابت بازار تابستانی فوتبال ایران بوده و حتی باوجود قرارداد نیز گاه و بیگاه خود را به عنوان مرد اصلی مطرح کرده و حالا دقیقا مشخص نیست که چه برنامه‌ای خواهد داشت اما به هر حال باشگاه تراکتور تمام تلاش خود را خواهد کرد تا با حفظ بیرانوند، خیال خود را از خط دروازه راحت کند.

* تغییرات احتمالی در خط دفاعی

در چهار پست خط دفاعی دانیال اسماعیلی‌فر و محمد نادری جایگاه ثابتی دارند. در مورد دانیال شایعات زیادی وجود داشت اما او در نهایت قراردادی را با تراکتور تمدید کرد. در پست دفاع مرکزی شجاع همچنان آمادگی خوبی را از خود نشان داده و

دهمین ماه ولایت



مه نو آمده در نیمه ی ذی حجه تمام
دهمین ماه ولایت که بر او باد سلام
بر امام نهمین کرده عطا حق پسری
ز خم حسن خودش ریخته گوئی در جام
چلچراغ است مدینه شده روشن از او
دارد انگشت تحیر به لبش خاص وعوام
پدرش شکر خدا گفته ونامش بگزید
چارمین نام علی بین امامان همام
عرش حق گشت چراغان جهت میلادش
فتبارک شده بر جمله ملک ذکر مدام
او نقی باشد ومعنای نقی یعنی پاک
کنیه اش بو الحسن وبر همگان هادی تام
عالم جمله ی دانش به زمانش بوده
عالمان عجز نموده به مصافش اعلام
جامعه ،اکبر در بین زیارات شده
یادگاری بود از حضرت هادی پیغام
شیعیان را بود او فخر تمام دوران
با تولای نقی (ع)شیعه بود خوش فرجام
روز میلاد نقی(ع) از نو ه اش عیدی خواه
دهد عیدی به همه سیر لقایش انعام

شاعر: اسماعیل تقوایی

زنان ایرانی؛ سنگربانان عاطفی و حافظان بنیان خانواده

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

زن ایرانی در مقام مادر، همسر و محور عاطفی خانه، می‌تواند با مدیریت فضای روانی خانواده، از گسترش اضطراب و ناامیدی جلوگیری کند. در دل چالش‌های بزرگ و بحران‌های احتمالی که می‌توان از آن‌ها با عنوان «جنگ تحمیلی سوم» یاد کرد، نقش زنان ایران، همچون دوران دفاع مقدس، از حیاتی‌ترین ابعاد پایداری ملی محسوب می‌شود. این بار، سنگرها شاید در جبهه‌های نظامی نباشند، اما حضور زنان در حفظ انسجام ملی و استحکام بنیان خانواده، نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند.

۱. جبهه عاطفی و روانی، اولین خط دفاع:

زنان، به‌ویژه مادران و همسران، در خط مقدم جبهه عاطفی و روانی جامعه قرار دارند. در شرایط بحرانی، آنان با مدیریت اضطراب، حفظ روحیه اعضای خانواده و انتقال حس امید و مقاومت، از فروپاشی روانی جامعه جلوگیری می‌کنند. این تاب‌آوری و قدرت روحی که از زنان سرچشمه می‌گیرد، ستون فقرات ایستادگی در برابر فشارهای بیرونی است.

۲. حفظ و تقویت بنیان خانواده، پایگاه اصلی مقاومت:

خانواده، کوچکترین واحد اجتماعی و در عین حال، مستحکم‌ترین پایگاه مقاومت در هر جامعه‌ای است. زنان، به‌عنوان محور اصلی خانواده، نقش کلیدی در حفظ ثبات و انسجام آن دارند. در شرایطی که تهدیدات خارجی ممکن است بنیان‌های اجتماعی را متزلزل کند، نقش زنان در حفظ کانون گرم خانواده، انتقال ارزش‌ها و تربیت نسلی مقاوم، بیش از هر زمان دیگری حیاتی می‌شود. این حضور، تضمین‌کننده بقای فرهنگی و هویتی یک ملت است.

۳. مشارکت در جبهه‌های مختلف، از تولید تا تبیین:

حضور زنان تنها به حوزه خانواده محدود نمی‌شود. در عرصه‌های اقتصادی، زنان با افزایش بهره‌وری در مشاغل، حمایت از تولید ملی و

صرفه‌جویی، نقش مهمی در تاب‌آوری اقتصادی کشور ایفا می‌کنند. همچنین، در حوزه تبیین و اطلاع‌رسانی، زنان می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی، روایت‌های صحیح را منتشر کرده و در مقابل هجمه‌های اطلاعاتی دشمن، سپر دفاعی ایجاد کنند.

۴. الگوبرداری از تاریخ، درس‌هایی از دفاع مقدس:

تجربیات گران‌بهای زنان در دوران دفاع مقدس، چراغ راهی برای شرایط کنونی است. زنانی که در نبود عزیزانشان، بار سنگین زندگی را بر دوش کشیدند، فرزندان را تربیت کردند و همگام با مردان، در جبهه‌های مختلف پشتیبانی، ایثار و مقاومت را از خود نشان دادند. این الگوهای ایثار و مقاومت، سرمایه‌های اجتماعی عظیمی هستند که می‌توانند الهام‌بخش نسل امروز در مواجهه با چالش‌های آینده باشند.

در نهایت، ایستادگی و مقاومت یک ملت در برابر بحران‌ها، نیازمند بسیج تمامی ظرفیت‌های اجتماعی است. زنان ایران، با اتکا به ایمان، روحیه جهادی و تجربیات تاریخی خود، در «جنگ تحمیلی سوم» نیز، همانند همیشه، نقش سنگربانان عاطفی، حافظان خانواده و پیشگامان مقاومت در عرصه‌های مختلف



خواهند بود و ستون فقرات ایستادگی ایران را تشکیل خواهند داد.

حمایت زنان ایران از کشور در جنگ تحمیلی سوم، از پایداری در خانه تا حضور در خط مقدم اجتماعی

در هر دوره‌ای از تاریخ که کشور با تهدید، فشار یا بحران روبه‌رو شده است، زنان ایران نقشی تعیین‌کننده در حفظ انسجام ملی و تقویت روحیه مقاومت داشته‌اند. اگر دفاع مقدس، صحنه‌ای از ایثار و فداکاری مردان و زنان این سرزمین بود، امروز نیز در آنچه از آن به عنوان «جنگ تحمیلی سوم» یاد می‌شود، زنان می‌توانند و باید یکی از اصلی‌ترین ستون‌های پایداری کشور باشند.

جنگ امروز، تنها در میدان‌های نظامی تعریف نمی‌شود، بخش مهمی از این نبرد در عرصه‌های فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی و روانی جریان دارد؛ جایی که زنان ایرانی با حضور آگاهانه و مسئولانه، می‌توانند نقش‌آفرینی مؤثری داشته باشند. زن ایرانی در این میدان، فقط ناظر نیست، بلکه کنشگری فعال است که با صبوری، تدبیر و احساس مسئولیت، از آرامش خانواده تا امید اجتماعی را حفظ می‌کند.

نخستین و مهم‌ترین عرصه این حمایت، خانواده

است زن ایرانی در مقام مادر، همسر و محور عاطفی خانه، می‌تواند با مدیریت فضای روانی خانواده، از گسترش اضطراب و ناامیدی جلوگیری کند. در روزهای سخت، همین آرامش‌بخشی و امیدآفرینی، خود نوعی مقاومت است؛ مقاومتی که پایه‌های جامعه را استوار نگه می‌دارد.

از سوی دیگر، زنان در عرصه فرهنگ و تبیین نیز نقشی اساسی دارند. امروز جنگ روایت‌ها به اندازه هر نبرد دیگری اهمیت دارد. زنانی که با آگاهی، قلم، رسانه و حضور اجتماعی خود به تبیین حقیقت می‌پردازند، در واقع در خط مقدم دفاع از کشور ایستاده‌اند. آنان با انتقال تجربه، ارزش‌ها و واقعیت‌ها به نسل جوان، مانع تحریف و فراموشی می‌شوند.

نقش زنان در اقتصاد خانواده، نقش زنان در اقتصاد ملی

در حوزه اقتصاد و سبک زندگی نیز حضور زنان تعیین‌کننده است. صرفه‌جویی، حمایت از تولید داخلی، مدیریت درست منابع خانواده و ترویج الگوهای صحیح مصرف، از جمله اقداماتی است که زنان می‌توانند با آن به تاب‌آوری ملی کمک کنند. در شرایطی که فشارهای بیرونی ممکن است زندگی روزمره را دشوار کند، همین مدیریت هوشمندانه، بخشی از پشتیبانی واقعی از کشور است.

تجربه تاریخ ایران نشان داده است که زنان این سرزمین در سخت‌ترین شرایط، تنها تماشاگر حوادث نبوده‌اند؛ بلکه با ایمان، شجاعت و مسئولیت‌پذیری، در کنار مردان و گاه پیش‌تر از آنان، در مسیر حفظ وطن نقش ایفا کرده‌اند. از همین رو، حمایت زنان از کشور در جنگ تحمیلی سوم، صرفاً یک شعار نیست، بلکه ادامه همان سنت دیرینه‌ای است که پایداری ایران را تضمین کرده است.

در نهایت می‌توان گفت زن ایرانی در جنگ تحمیلی سوم، همان‌قدر که در خانه، مدرسه، دانشگاه، رسانه و جامعه حضور دارد، در صحنه دفاع از کشور نیز مؤثر است. او با ایمان، آگاهی و صبوری، نه‌تنها از خانواده خود، بلکه از آینده یک ملت پاسداری می‌کند و الگویی برای آینده فرزندان خود از جنس استقامت، ایثار و حمایت می‌باشد.

سواد رسانه‌ای، الفبای زیستن در قرن دیجیتال

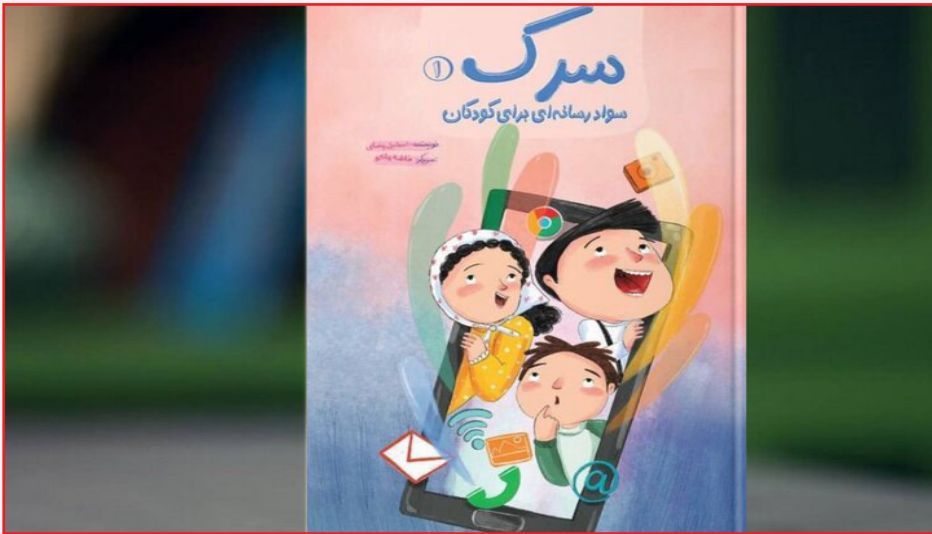
طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

سواد رسانه‌ای دیگر مهارتی جانبی نیست، بلکه ضرورتی برای زیستن در جهان دیجیتال برای کودک و بزرگسال است؛ جایی که توان تشخیص و تحلیل پیام‌ها، مرز میان آگاهی و سردرگمی را مشخص می‌کند. کودکان امروز پیش از آنکه خواندن و نوشتن را به‌طور کامل بیاموزند، با صفحه‌های درخشان تلفن‌های همراه، تبلت‌ها، تلویزیون‌ها و انبوهی از پیام‌های رسانه‌ای روبه‌رو می‌شوند. آن‌ها عکس می‌بینند، ویدئو تماشا می‌کنند، تبلیغات را دنبال می‌کنند و هر روز با حجم گسترده‌ای از اطلاعات مواجه‌اند؛ اطلاعاتی که گاه درست‌اند و گاه نادرست، گاه برای آگاهی‌بخشی تولید شده‌اند و گاه برای تأثیرگذاری بر مخاطب.

در چنین شرایطی، آموزش سواد رسانه‌ای دیگر یک مهارت فرعی نیست؛ بلکه به یکی از نیازهای اساسی کودکان تبدیل شده است. با این حال، آموزش مفاهیمی مانند پیام، رسانه، تبلیغات، منبع خبر یا حریم خصوصی به کودکی که هنوز در سال‌های ابتدایی زندگی خود قرار دارد، کار ساده‌ای نیست. کتاب «سرک» سواد رسانه‌ای برای کودکان نوشته اسماعیل رضضانی با تصویرگری فاطمه زمانه رو، تلاشی است برای پاسخ دادن به همین نیاز؛ تلاشی که مسیر آموزش را از دنیای قصه‌ها آغاز می‌کند.

این اثر که توسط انتشارات سیما شرق در مجموعه کتاب‌های زرافه منتشر شده، نخستین جلد از مجموعه‌ای دو جلدی است که کودکان چهار تا نه سال را مخاطب قرار داده و می‌کوشد مفاهیم پایه سواد رسانه‌ای را با زبانی ساده، داستانی و متناسب با دنیای کودکان آموزش دهد.

وقتی رسانه به اندازه یک قصه ساده می‌شود یکی از چالش‌های اصلی در آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان، پیچیدگی مفاهیم آن است. بسیاری از واژه‌های این حوزه حتی برای بزرگسالان نیز گاه دشوار و تخصصی به نظر می‌رسند. نویسنده برای عبور از این مانع، به جای ارائه تعریف‌های مستقیم و آموزشی، از



قصه کمک گرفته است. در «سرک»، هر مفهوم در قالب یک روایت کوتاه مطرح می‌شود. کودک پیش از آنکه با واژه‌های تخصصی روبه‌رو شود، با شخصیت‌ها همراه می‌شود، ماجرا را دنبال می‌کند و در خلال داستان، با مفهومی تازه آشنا می‌شود. به این ترتیب آموزش به شکلی غیرمستقیم و طبیعی اتفاق می‌افتد. این رویکرد باعث شده کتاب بیش از آنکه شبیه یک کتاب درسی باشد، به مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه و جذاب شباهت داشته باشد؛ داستان‌هایی که در عین سرگرم‌کننده بودن، هدف آموزشی مشخصی را دنبال می‌کنند.

تیرهایی که پیام حمل می‌کنند یکی از جالب‌ترین بخش‌های کتاب، استفاده از مثال تیر و کمان برای توضیح فرآیند ارتباط است. در این روایت، فرستنده، پیام، رسانه و گیرنده در قالب اجزای یک تیراندازی معرفی می‌شوند. تیرانداز پیام را آماده می‌کند، کمان نقش رسانه را بر عهده دارد و هدف، گیرنده پیام است. این تشبیه ساده به کودکان کمک می‌کند تا یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم ارتباطات را بدون پیچیدگی درک کنند.

شایعه‌ای که روی بال کلاغ‌ها نشست در دنیای امروز، تشخیص درست و نادرست بودن اطلاعات به یکی از مهم‌ترین مهارت‌های رسانه‌ای تبدیل شده است. کودکان نیز از این قاعده مستثنا نیستند. این موضوع را در قالب داستان گاو و کلاغ‌ها مطرح می‌کند. داستانی که مفهوم منبع خبر و ضرورت بررسی اطلاعات را به زبان کودکانه توضیح می‌دهد.

کودک در خلال این روایت می‌آموزد که هر خبری قابل اعتماد نیست و نباید هر آنچه می‌شنود یا می‌بیند را بدون پرسش و بررسی بپذیرد. این آموزش در زمانی که شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها نقش گسترده‌ای در انتقال اطلاعات دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

پشت پرده یک تکه کیک سیب یکی دیگر از مفاهیم مهم کتاب، شناخت ساختار پیام‌های رسانه‌ای است. در داستان «امان خرسی و کیک سیب»، کودکان با این ایده آشنا می‌شوند که پیام‌های رسانه‌ای همانند یک غذای ترکیبی از اجزای مختلف تشکیل شده‌اند.

هیچ پیامی به شکل تصادفی تولید نمی‌شود. هر پیام سازنده‌ای دارد، هدفی را دنبال می‌کند و برای مخاطبی خاص طراحی شده است. این مفهوم که در حوزه سواد رسانه‌ای اهمیت فراوانی دارد، در کتاب با زبانی ساده و تصویری قابل فهم بیان شده است. کودک یاد می‌گیرد همان‌طور که می‌توان مواد تشکیل‌دهنده یک غذا را شناخت، می‌توان درباره اجزای تشکیل‌دهنده یک پیام رسانه‌ای نیز پرسش کرد.

حریم‌هایی که دیده نمی‌شوند بخش دیگری از کتاب به موضوع حریم خصوصی اختصاص دارد؛ مفهومی که با گسترش فضای مجازی بیش از گذشته اهمیت یافته است. کودکان امروز از سنین پایین با اشتراک‌گذاری تصویر، اطلاعات شخصی و ارتباطات آنلاین آشنا می‌شوند. کتاب تلاش می‌کند بدون ایجاد ترس یا نگرانی، مفهوم حفظ اطلاعات

شخصی را به مخاطب معرفی کند. در کنار حریم خصوصی، موضوع مالکیت معنوی نیز مطرح می‌شود؛ اینکه هر اثر، تصویر یا محصول فکری صاحب دارد و استفاده از آن باید با احترام به حقوق دیگران همراه باشد. آشنایی اولیه کودکان با چنین مفاهیمی، زمینه‌ای برای شکل‌گیری رفتار مسئولانه‌تر در سال‌های بعد فراهم می‌کند.

شاید مهم‌ترین ویژگی «سرک» این باشد که به جای آموزش ابزارها، مهارت‌ها را آموزش می‌دهد. ابزارهای رسانه‌ای مدام تغییر می‌کنند؛ تلفن‌های همراه، شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های نو هر روز شکل تازه‌ای پیدا می‌کنند.

اما مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، تحلیل پیام، تشخیص منبع خبر و شناخت تبلیغات، مهارت‌هایی ماندگار هستند. این کتاب تلاش کرده بذر چنین مهارت‌هایی را در سال‌های ابتدایی زندگی کودکان بکار؛ و سال‌هایی که بسیاری از عادت‌های فکری و رفتاری شکل می‌گیرند.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: ارتباط برقرار کردن تا حدودی مثل تیراندازی است. مهم این است که مراحل آن را از هم جدا کنیم. یک فرستنده (تیرانداز) یک پیام (تیر) را به وسیله رسانه (کمان) با یک منظور خاص (رسیدن به نقطه خال) برای یک مخاطب یا گیرنده (صفحه هدف) می‌فرستد. هر پیامی توسط یک سازنده با یک منظور خاص ساخته می‌شود تا توسط یک رسانه به ما به‌عنوان یک مخاطب برسد (مثل تیری که توسط کمان رها می‌شود تا به هدف خاص برسد).

تا زمانی که حرفی را نزنه‌ایم یا پیامی را نفرستاده‌ایم، امکان تغییر آن وجود دارد اما بعد از ارسال دیگر امکان اصلاح کردن نیست (مثل تیری که پس از رها شدن دیگر نمی‌تواند به کمان برگردد).

کتاب «سرک» سواد رسانه‌ای برای کودکان نوشته اسماعیل رضضانی در ۵۶صفحه از سوی انتشارات سیما شرق منتشر شده است. / مهر

وقتی صدای بازی کودکان در خانه‌ها کم‌تر شنیده می‌شود

تفکر شکل گرفت که هرچه تعداد فرزندان کمتر باشد، زندگی راحت‌تر خواهد بود. در نتیجه این میانگین در سال‌های بعد به حدود دو فرزند رسید که تبعات آن نیز به مرور زمان بروز خواهد یافت.

وی با اشاره به اهمیت ارتباطات خانوادگی در رشد کودکان اظهار کرد: یکی از روش‌های مؤثر در میان کودکان، بازی‌درمانی است. تعاملاتی که افراد با یکدیگر دارند، موجب یادگیری بیشتر می‌شود و کودکان از طریق بازی کردن، بسیاری از مسائل را فرا می‌گیرند.

صادقی ادامه داد: اگر تعداد فرزندان بیشتر باشد، غم و شادی میان همه آن‌ها تقسیم می‌شود و این یک حسن محسوب می‌شود.

وی با بیان اینکه کودک تک‌فرزند تفاوت بسیاری با کودکی دارد که دارای خواهر یا برادر است، گفت: نحوه رشد و زندگی این کودکان بسیار متفاوت است. حساسیت و نگرانی والدین نسبت به کودک تک‌فرزند بیشتر است و این کودک نمی‌تواند به‌خوبی با دیگران تعامل برقرار کند. همچنین افکار، بازی‌ها و حتی سود و زیان خود را نمی‌تواند با کسی در میان بگذارد.

این کارشناس افزود: تاب‌آوری این کودکان در مدرسه و جامعه نیز متفاوت است. زمانی که تعداد کودکان کاهش پیدا می‌کند، نسبت سنی و جمعیتی تغییر می‌کند و در چنین شرایطی پدیده سالخورده‌گی جمعیت رخ می‌دهد. در این وضعیت، نیروی کار و خلاقیت کاهش پیدا می‌کند. صادق با اشاره به وضعیت فرزندآوری در کشور گفت: مشکل ما در میان زوج‌های ازدواج‌کرده این است که هنوز فرزند اول آن‌ها به دنیا نیامده است.

وی تصریح کرد: در خانواده‌های دارای چند فرزند، تقسیم وظایف صورت می‌گیرد و مسئولیت‌پذیری افزایش می‌یابد. اصطلاحی به نام آموزش همسالان وجود دارد، به این معنا که گاهی والدین نمی‌توانند برخی مطالب را به فرزندان خود منتقل کنند یا فرزندان به سخنان آن‌ها توجه نمی‌کنند، در چنین شرایطی این مسئولیت به خواهر یا برادر بزرگ‌تر سپرده می‌شود. چنین کودکی در جامعه توانمندتر خواهد بود و به نوعی لوس و مامانی بار نمی‌آید. وی به موانع ازدواج و فرزندآوری اشاره کرد و گفت: اقتصاد، مسکن، تحصیل و یا تصمیم نگرفتن برای فرزندآوری از جمله این موانع است. همچنین تأخیر در ازدواج، سختی‌های زندگی و ازدواج نکردن نیز از عوامل مؤثر بر کاهش فرزندآوری به‌شمار می‌رود.

صادقی افزود: ترس از معلول شدن کودکان به دلیل مسائل ارثی، عدم مسئولیت‌پذیری برخی افراد و این تفکر که ممکن است زندگی مشترک دوام نداشته باشد، از دیگر عواملی است که بر تصمیم افراد برای ازدواج و فرزندآوری تأثیر می‌گذارد. مهاجرت‌ها و برخی تبلیغات از دیگر عوامل مؤثر در این زمینه است.



را در سطح کودک قرار می‌دهند و زمان زیادی را صرف بازی با او می‌کنند، در حالی که کودک بیش از هر چیز به تعامل با همسالان خود نیاز دارد.

این روانشناس تأکید کرد: حضور کودکان در محیط‌هایی مانند مهدکودک، مراکز آموزشی، پارک‌ها و شهرسازی‌ها فرصت مناسبی برای تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی آن‌ها فراهم می‌کند. در غیر این صورت، احتمال ضعف در روابط اجتماعی در سال‌های بعد افزایش می‌یابد.

استقلال، مهارتی که باید از کودکی آموخته شود

پناه‌علی سبک زندگی مدرن را یکی از عوامل کاهش فرصت‌های بازی و تعامل اجتماعی کودکان دانست و گفت: والدین باید از سنین پایین استقلال را به فرزندان خود آموزش دهند. بسیاری از کودکان تک‌فرزند به دلیل حمایت بیش از اندازه والدین، وابستگی بیشتری پیدا می‌کنند. بنابراین لازم است انجام کارهای ساده و مسئولیت‌های متناسب با سن به آن‌ها سپرده شود.

وی خاطرنشان کرد: کودکان در بستر جامعه و از طریق مواجهه با چالش‌ها و تجربه‌های مختلف رشد می‌کنند. از آنجا که والدین همیشه در کنار فرزندان خود نخواهند بود، باید آن‌ها را به گونه‌ای تربیت کنند که بتوانند در آینده افرادی مستقل، توانمند و مؤثر برای جامعه و کشور باشند.

نقش خواهر و برادر در رشد اجتماعی کودکان

یک کارشناس سلامت خانواده و جمعیت در گفت‌وگو با ایسنا با تأکید بر اهمیت جمعیت در توسعه کشورها گفت: ایسنا با تأکید بر توانایی است و یک سرمایه عظیم و بسیار مهم در تمام جوامع محسوب می‌شود.

فریبا صادقی افزود: در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میانگین تعداد فرزندان در هر خانواده حدود ۶ فرزند بود، اما شافل بودن زنان و درآمد ناکافی، جمعیت را به سمتی سوق داد که این

باشد و به یکی از چالش‌های مهم آینده تبدیل شود.

وی با بررسی ابعاد روان‌شناختی این مسئله گفت: بسیاری از کودکان تک‌فرزند، به‌ویژه آن‌هایی که والدین شاغل دارند، بخش زیادی از زمان خود را در تنهایی سپری می‌کنند. این شرایط ممکن است زمینه‌ساز مشکلاتی مانند افسردگی، اضطراب، ضعف در برقراری روابط اجتماعی و اختلال در رشد عاطفی آن‌ها شود.

پناه‌علی خانواده را نخستین و مهم‌ترین بستر اجتماعی شدن کودکان دانست و اظهار کرد: در خانواده‌های تک‌فرزند، فرآیند اجتماعی شدن تا حدی غیرطبیعی شکل می‌گیرد، زیرا کودک همواره در مرکز توجه قرار دارد و محبت و حمایت بیش از اندازه دریافت می‌کند. چنین شرایطی می‌تواند به پدیده فرزندسالاری و حتی شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی خودشیفته در کودک منجر شود.

این روانشناس به گسترش پدیده «تکنوهای» اشاره کرد و گفت: امروزه برخی خانواده‌ها تنها یک نوه دارند و همین مسئله موجب می‌شود حجم زیادی از توجه و انتظارات اعضای خانواده بر یک کودک متمرکز شود، موضوعی که فشار روانی قابل توجهی را به او تحمیل می‌کند.

پناه‌علی با اشاره به سیاست‌های تشویقی دولت برای خانواده‌های دارای چند فرزند افزود: هرچند اقداماتی مانند ارائه تسهیلات مالی و امتیازات مختلف در نظر گرفته شده است، اما برای دستیابی به جامعه‌ای سالم و پویا باید حمایت‌های عملی و گسترده‌تری از خانواده‌ها صورت گیرد و این موضوع تنها در حد شعار باقی نماند.

وی توصیه کرد: والدینی که تنها یک فرزند دارند، در شیوه‌های تربیتی خود تجدیدنظر کنند.

به گفته او، توجه و نظارت بیش از حد می‌تواند موجب شود کودک در آینده فردی وابسته، مغرور و خودمحور شود.

وی افزود: برخی والدین برای پر کردن خلأ هم‌بازی، خود

طرح نو؛ گروه گزارش

گهواره‌هایی که روزی نماد امید، پویایی و تداوم نسل بودند، امروز در بسیاری از خانه‌ها کمتر از گذشته به حرکت درمی‌آیند. کاهش نرخ فرزندآوری و افزایش گرایش به تک‌فرزندی، در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های جمعیتی کشور تبدیل شده است، چالشی که فراتر از یک انتخاب شخصی یا تغییر سبک زندگی، آینده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کارشناسان هشدار می‌دهند که تداوم این روند می‌تواند در دهه‌های آینده، ساختار جمعیتی کشور را با تغییرات عمیقی مواجه کند. به‌گونه‌ای که کاهش جمعیت جوان، افزایش شمار سالمندان، کمبود نیروی کار و فشار مضاعف بر نظام‌های حمایتی و رفاهی، به بخشی از واقعیت زندگی نسل‌های آینده بدل شود.

در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان پس از مواجهه با بحران سالمندی و کاهش جمعیت، هزینه‌های سنگینی برای جبران این روند پرداخت کرده‌اند، ایران نیز در نقطه‌ای حساس از تحولات جمعیتی قرار گرفته است. توجه به سیاست‌های حمایتی، رفع موانع فرزندآوری و ترویج فرهنگ خانواده‌محور، بیش از هر زمان دیگری به ضرورتی انکارناپذیر برای تضمین آینده‌ای پویا و متوازن تبدیل شده است؛ آینده‌ای که شکل‌گیری آن در گرو تصمیم‌ها و اقداماتی است که امروز برای حفظ سرمایه انسانی کشور اتخاذ می‌شود.

چرا خانواده‌ها به سمت تک‌فرزندی حرکت کرده‌اند؟

یک روانشناس با اشاره به پیامدهای روانی و اجتماعی ناشی از سبک زندگی مدرن و افزایش گرایش خانواده‌ها به تک‌فرزندی، بر ضرورت حمایت جدی‌تر دولت از نهاد خانواده تأکید کرد.

امیر پناه‌علی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: در گذشته، تصور عمومی از خانواده خانهای بزرگ با حیاطی وسیع و حضور چندین کودک در حال بازی بود، اما امروزه این تصویر به آپارتمان‌های کوچک با حضور دو والد و یک فرزند تغییر یافته است.

وی افزود: تغییرات فرهنگی، شرایط اقتصادی، اشتغال زنان و سایر عوامل اجتماعی موجب شده است بسیاری از خانواده‌ها داشتن تنها یک فرزند را ترجیح دهند، تصمیمی که از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه‌تر به نظر می‌رسد و امکان تمرکز بیشتر والدین بر فرزند را فراهم می‌کند.

وی با هشدار نسبت به روند رو به رشد سالمندی جمعیت ادامه داد: ایران و بسیاری از کشورهای دیگر در سال‌های آینده با کاهش جمعیت جوان روبه‌رو خواهند شد. تغییر هرم سنی جامعه می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به همراه داشته

مدیرکل بهزیستی استان خبر داد:

اجرای طرح ملی

«سنجش سلامت روان» در

آذربایجان شرقی با تمرکز بر حمایت

از آسیب‌دیدگان حوادث

طرح نو؛ گروه خبر

مدیرکل بهزیستی آذربایجان‌شرقی از آغاز اجرای طرح ملی «سنجش سلامت روان» در استان خبر داد و گفت: این طرح با هدف شناسایی به‌موقع اختلالات روان‌شناختی و ارائه مداخلات درمانی مناسب به آسیب‌دیدگان ناشی از حوادث جنگی و تنش‌های مرتبط با آن، تا پایان خردادماه ادامه دارد.

فرگل صحاف در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه بازسازی سلامت روان، هم‌پای بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی برای بازگشت جامعه به شرایط عادی ضروری است، اظهار کرد: بسیاری از آسیب‌های روان‌شناختی ناشی از حوادث و جنگ، ممکن است در مراحل اولیه آشکار نباشند. از این رو، شناسایی زودهنگام این مشکلات نقش حیاتی در پیشگیری از تشدید بیماری، ارتقای کیفیت زندگی افراد و کاهش هزینه‌های سنگین درمانی در سال‌های آتی ایفا می‌کند.

وی افزود: سازمان بهزیستی کشور با همین رویکرد، اجرای طرح ملی سنجش سلامت روان را در دستور کار قرار داده است. قرار است افراد در معرض آسیب‌های روانی ناشی از جنگ و بحران شناسایی شده و پیش از آنکه علائم اولیه به اختلالات مزمن تبدیل شود، به خدمات تخصصی متصل شوند. این طرح با رویکرد غربالگری سریع، طبقه‌بندی سطح خطر و ارجاع هدفمند طراحی شده و تمامی افراد بالای ۱۸ سال می‌توانند در آن شرکت کنند.

مدیرکل بهزیستی استان با تأکید بر اهمیت حفظ حریم خصوصی شرکت‌کنندگان، خاطرنشان کرد: تمامی مراحل این سنجش بر مبنای اصول کامل رازداری و حفظ محرمانگی اطلاعات مراجعان طراحی شده است تا شهروندان با اطمینان خاطر از خدمات مشاوره‌ای و درمانی بهره‌مند شوند.

وی ادامه داد: تمامی شهروندان استان آذربایجان‌شرقی و سایر هموطنان بالای ۱۸ سال می‌توانند برای شرکت در این طرح ملی و رایگان، تا پایان خردادماه جاری با مراجعه به نشانی اینترنتی <https://behzisti.porsline.ir/> یا **PSY-Screen** در فرآیند سنجش سلامت روان شرکت کنند. در این سامانه، شرکت‌کنندگان باید به پرسشنامه‌ای شامل ۹ سؤال درباره علائم استرس حاد پاسخ دهند.

وی خاطرنشان کرد: متخصصان حوزه سلامت روان معقدند مداخله زودهنگام یکی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری از مزمن شدن آسیب‌های روانی است. به گفته آنان، بسیاری از افرادی که پس از بحران دچار اضطراب، بی‌خوابی یا علائم استرسی می‌شوند، در صورت دریافت حمایت‌های اولیه می‌توانند بدون ورود به مراحل شدیدتر بیماری به شرایط عادی بازگردند.

صحاف اظهار کرد: سازمان بهزیستی با استفاده از بسترهای آنلاین تلاش کرده است دسترسی مردم به خدمات غربالگری سلامت روان را تسهیل کند و علاوه بر کاهش بار بیماری‌های روانی، از تحمیل هزینه‌های سنگین درمانی در سال‌های آینده جلوگیری نماید.

طرح نو بررسی می‌کند:

قطران تبریزی؛ راوی خاموش سده‌ی پنجم



طرح نو؛ سردبیر

در میان آثار برجای‌مانده از سده‌های نخستین شعر فارسی، برخی دیوان‌ها تنها مجموعه‌ای از قصاید و مدایح نیستند، بلکه افزون بر ارزش ادبی، به منزله سندی زنده برای فهم تاریخ، فرهنگ و فضای اجتماعی عصر خود نیز به کار می‌آیند. دیوان قطران تبریزی از همین شمار است؛ اثری که هرچند در ظاهر بیشتر شامل ستایش فرمانروایان محلی آذربایجان، اران و نواحی پیرامونی است، اما در لایه‌های عمیق‌تر خود، تصویری روشن از اوضاع سیاسی، فرهنگی و زبانی آذربایجان در قرن پنجم هجری به دست می‌دهد. اهمیت این دیوان تنها در شاعرانگی آن نیست، بلکه در این است که از خلال ابیاتش می‌توان نشانه‌های روشنی از دگرگونی‌های تاریخی، اختلاط فرهنگی و استمرار سنت فارسی‌سرایي در آن روزگار مشاهده کرد.

قطران تبریزی در دوره‌ای می‌زیست که آذربایجان از جهات گوناگون در معرض تحولات مهم قرار داشت. در سده‌های پیش از او، با گسترش فتوحات عربی، گروه‌هایی از قبایل، جنگاوران و حاکمان عرب در این منطقه حضور یافته بودند و این حضور، خواه‌ناخواه، در بافت جمعیتی و فضای فرهنگی منطقه اثر گذاشته بود. هم‌زمان، کشمکش‌های سیاسی و نظامی میان قدرت‌های گوناگون نیز آذربایجان را به عرصه‌ای پرنتش تبدیل کرده بود. در زمان حیات قطران، نفوذ غزنویان و سپس زمینه‌سازی برای سلطه سلجوقیان نشان می‌دهد که این منطقه تنها یک واحد جغرافیایی آرام و دور از تحولات نبوده، بلکه در متن جریان‌های مهم تاریخی قرار داشته است.

از همین رو، دیوان قطران را می‌توان نوعی «تاریخ منظوم» نیز دانست؛ تاریخی که نه در قالب سال‌شمار و روایت رسمی، بلکه در هیئت شعر، مدح، اشاره و تلمیح خود را نشان می‌دهد. همین ویژگی است که به

برای آفرینش ادبی، زبانی طبیعی، زنده و رایج بوده است. به‌ویژه آن‌که درباره آغاز زندگی او گفته می‌شود دهقان‌زاده‌ای جوان بوده است؛ نکته‌ای که این تصور را تقویت می‌کند که پیوند او با فارسی، صرفاً حاصل آموزش رسمی نبوده، بلکه با فضای زبانی پیرامونش نیز ارتباط داشته است.

از سوی دیگر، قطران در بسیاری موارد کوشیده است برابری فارسی برای واژگان عربی به کار گیرد؛ کوششی که از ذوق زبانی و توجه او به ظرفیت‌های واژه‌سازی فارسی حکایت دارد. واژگانی مانند «بخشیده‌کردن»، «بیش‌دان»، «پسندکار»، «تیمارکش»، «خلیده‌دل»، «سپاس‌دار» و «نگاریده» تنها چند نمونه از این گرایش‌اند. این انتخاب زبانی را می‌توان نشانه‌ای از آگاهی شاعر به استقلال و توانمندی فارسی دانست؛ زبانی که نه فقط برای مدح و توصیف، بلکه برای ساختن مفاهیم تازه و جانشین‌کردن واژه‌های بیگانه نیز ظرفیت داشته است.

اما چرا دیوان قطران هنوز مهم است؟

ممکن است از منظر زیبایی‌شناسی، قطران را نتوان در شمار بزرگ‌ترین شاعران زبان فارسی قرار داد. او بیش از هر چیز قصیده‌سرا و مداح دربارهای محلی است و طبیعی است که بسیاری از سروده‌هایش در چارچوب پسند و نیاز زمانه خود شکل گرفته باشد. با این حال، ارزش یک شاعر تنها با معیار نبوغ هنری سنجیده نمی‌شود. گاه اهمیت یک اثر در آن است که بخشی از تاریخ خاموش یک سرزمین را در خود نگه می‌دارد؛ تاریخی که اگر ثبت نمی‌شد، بسیاری از جزئیات آن از میان می‌رفت.

دیوان قطران از همین حیث اهمیت می‌یابد. این اثر برای پژوهش در تاریخ فرهنگی آذربایجان، مطالعه تحول زبان فارسی در غرب ایران، بررسی مناسبات سیاسی

نسبت به کار خویش آگاه است و در بیت مشهورش می‌گوید:

گو مرا بر شعر گویان جهان رشک آمدی
من در شعر دري بر شاعران ننگشودمی

این سخن، صرفاً ادعایی شاعرانه نیست؛ نشانه‌ای است از خودآگاهی ادبی شاعری که می‌داند در حال گشودن راهی است که می‌تواند برای دیگران نیز الهام‌بخش باشد. اگر شعر فارسی در خراسان و برخی دیگر از نواحی بالیده بود، استمرار و گسترش آن در آذربایجان نیز نیازمند چهره‌هایی مانند قطران بود تا این سنت ادبی را در محیطی متفاوت زنده نگه دارند.

نکته درخور توجه دیگر، زبان شعر قطران است. در دیوان او، چنان‌که در متن حاضر نیز اشاره شده، نشانه برجسته‌ای از کاربرد واژگان ترکی دیده نمی‌شود. این موضوع از منظر تاریخ زبان اهمیت فراوان دارد، زیرا نشان می‌دهد شاعر در محیطی می‌زیسته که فارسی

محلی و حتی شناخت واژگان مهجور فارسی، منبعی راهگشاست. به بیان دیگر، اگرچه ممکن است خواننده امروز در جست‌وجوی شور غنایی حافظ یا بیچیدگی خیال خاقانی در دیوان قطران نباشد، اما برای مورخ ادبیات، زبان‌شناس و پژوهشگر فرهنگ، این دیوان دریچه‌ای بسیار ارزشمند است.

در این میان، باید از کوشش مصححان و پژوهشگرانی که این متون را از غبار زمان بیرون می‌آورند نیز قدردانی کرد. تصحیح علمی متون کلاسیک تنها یک کار دانشگاهی خشک نیست؛ بلکه نوعی پاسداری از حافظه فرهنگی است. هر نسخه معتبر از یک متن کهن، امکانی تازه برای شناخت دقیق‌تر گذشته در اختیار ما می‌گذارد.

از این منظر، کوشش دکتر عابدی و همکاران ایشان در تصحیح و مقدمه‌نویسی این اثر، خدمتی فرهنگی و ماندگار به شمار می‌آید.

امروز که سرعت تحولات و غلبه رسانه‌های نو، مجال تأمل در میراث مکتوب را کمتر کرده است، بازخوانی آثاری چون دیوان قطران تبریزی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. چنین آثاری به ما یادآوری می‌کنند که زبان و ادبیات، فقط ابزار ذوق‌آزمایی شاعرانه نیستند، بلکه ظرف حافظه تاریخی یک جامعه‌اند. در لایه‌ای قصایدی که شاید در زمان خود برای ستایش امیری محلی سروده شده‌اند، می‌توان ردپای زندگی، شکاکش قدرت، جابه‌جایی فرهنگی و دوام زبان را دید.

دیوان قطران تبریزی از این رو شایسته توجه است که ما را به لایه‌ای کمتر دیده‌شده از تاریخ ادبی و فرهنگی آذربایجان آشنا می‌کند؛ لایه‌ای که در آن شعر، هم سند است، هم صدا، هم حافظه. شاید ارزش بزرگ این اثر در همین باشد؛ اینکه نشان می‌دهد متون کهن، اگر با دقت و بی‌تعصب خوانده شوند، هنوز هم می‌توانند به ما در فهم بهتر گذشته و در نتیجه، فهم روشن‌تر امروز یاری برسانند.

آذربایجان غربی پایتخت صنعت زنبورداری کشور؛ برند سازی حلقه مفقوده

طرح نو؛ گروه گزارش - سکینه اسمی
آذربایجان غربی با تولید سالانه نزدیک به ۳۰ هزار تن عسل قطب و پایتخت زنبور عسل و صنعت زنبورداری کشور به شمار می رود ولی نبود برند شاخص از چالش های این صنعت در استان است.

آذربایجان غربی سالهاست عنوان قطب نخست تولید عسل ایران را یدک می‌کشد، استانی که با برخورداری از طبیعت کم‌نظیر، مراتع غنی، پوشش گیاهی متنوع و شرایط اقلیمی مناسب، بستر مطلوبی برای توسعه صنعت زنبورداری فراهم کرده است. تولید سالانه هزاران تن عسل مرغوب در این استان، نه تنها جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد کشاورزی منطقه ایجاد کرده بلکه آذربایجان غربی را به یکی از برندهای شناخته شده صنعت عسل و پایتخت این صنعت در کشور تبدیل کرده است.

فعالیت گسترده زنبورداران در شهرستان‌های مختلف استان به‌ویژه خوی، ارومیه، سلماس و پیرانشهر، نقش مهمی در رونق این صنعت ایفا می‌کند، وجود صدها هزار کلنی زنبور عسل و حضور فعال بهره برداران حرفه‌ای موجب شده تولید عسل در آذربایجان غربی هر سال روندی افزایشی داشته باشد و سهم قابل توجهی از نیاز بازار داخلی و حتی صادرات را تأمین کند. کارشناسان، تنوع گیاهان دارویی و شهدزا در مناطق کوهستانی و ییلاقی استان را یکی از مهم‌ترین عوامل کیفیت بالای عسل تولیدی آذربایجان غربی می‌دانند، این ویژگی باعث شده عسل تولیدی استان از نظر طعم، عطر و خواص دارویی در میان مصرف‌کنندگان از محبوبیت بالایی برخوردار باشد.

در سال‌های اخیر توسعه صنایع جانبی زنبورداری از جمله بسته‌بندی، فرآوری موم، گرده گل، ژل رویال و برهموم نیز مورد توجه قرار گرفته و زمینه ایجاد ارزش افزوده بیشتر و اشتغال پایدار را فراهم کرده است، با این حال فعالان این حوزه معتقدند حمایت از زنبورداران، تسهیل صادرات، مقابله با عسل‌های تقلبی و توسعه بازارهای جهانی به همراه برندسازی می‌تواند مسیر رشد این صنعت را هموارتر کند.

صنعت زنبورداری امروز در آذربایجان غربی تنها یک فعالیت کشاورزی نیست، بلکه ظرفیتی اقتصادی و اشتغال‌آفرین به شمار می‌رود که می‌تواند نقش مهمی در توسعه پایدار و اقتصادی منطقه داشته باشد.

زنبورداران این استان در هر چهار فصل با حضور در مناطق مختلف اقدام به تولید و تهیه عسل ناب می‌کنند، این استان با دارا بودن افزون بر یک میلیون و صد هزار کندو از لحاظ تعداد کندو و تولید عسل در کشور سرآمد است و رتبه نخست کشوری را دارد. با توجه به این که آذربایجان غربی قطب تولید عسل در کشور است بدیهی است که یکی از راهکارهای فروش این محصول صادرات باشد اما برخی موانع مانند ضعف تبلیغات و بازاریابی، فقدان انسجام تشکلهای زنبورداری و عرضه عسل‌های غیر استاندارد از سایر نقاط کشور به بازار توسط سودجویان صادرات عسل استان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نکته قابل تأمل اینکه عسل تولیدی آذربایجان غربی



با این میزان مرغوبیت برند به خصوصی ندارد و با وجود اینکه در این استان ۶ کارخانه بسته بندی عسل، در شهرستان‌های خوی و ارومیه وجود دارد و عسل‌های تولیدی را به نحو مطلوب بسته بندی می‌کنند، اما بخش زیادی از این عسل تولیدی با توجه به نبود سیستم بسته بندی مناسب از کشور خارج می‌شود.

تشکیل اولین زنجیره ارزش زنبور کشور در آذربایجان غربی

معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی در خصوص ظرفیت صنعت زنبورداری در استان گفت: آذربایجان غربی در زمینه تولید، جمعیت زنبور عسل و اشتغالزایی قطب اول کشور به شمار می رود و اولین زنجیره ارزش زنبور در عسل نیز در این استان تشکیل شده است.

پرویز بستانچی در گفتگو با خبرنگار مهر با بیان اینکه بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار کندوی زنبور عسل در استان وجود دارد، اظهار کرد: از این تعداد یک میلیون و ۴۵۰۰ کندوی مدرن و مابقی سنتی هستند.

وی با اشاره به اینکه استان با تولید بیش از ۲۸ هزار تن عسل رتبه اول کشور را به خود اختصاص داده است، ادامه داد: بر اساس بازش های مناسب و وضعیت گل دهی در دشت ها پیش بینی می شود این میزان امسال به بیش از ۳۰ هزار تن برسد.

معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی از استان به عنوان پایتخت زنبور عسل در کشور نام برد و گفت: هم اکنون ۶ واحد صنایع تبدیلی و فرآوری در این زمینه در استان فعالیت می کنند و دومین زنجیره ارزش زنبور عسل نیز بزودی راه اندازی می شود.

بستانچی با اشاره به فعالیت ۱۶ تعاونی در حوزه زنبور عسل در استان عنوان کرد: در حال حاضر ۶ هزار ۲۷ نفر به صورت مستقیم در این صنعت مشغول فعالیت هستند .

وی با اشاره به تنوع فرآورده‌های زنبورداری در

سوم تولید عسل در استان برشمرد و گفت: خوی قطب تولید عسل استان به شمار می رود.

صنعت زنبورداری فقط تولید عسل نیست

مدیرعامل اتحادیه زنبورداران آذربایجان غربی در خصوص وضعیت صنعت زنبورداری به خبرنگار ما گفت: آذربایجان غربی سال گذشته با تولید بیش از ۲۸ هزار تن عسل رتبه اول کشور را به خود اختصاص داده و امسال با توجه بارش ها و گل دهی ها پیش بینی می شود شاهد افزایش تولید عسل در استان باشیم. هادی حمیدزادگان با بیان اینکه بیش از یک میلیون و ۵۰۰ کندوی عسل در استان داریم، ادامه داد: صنعت زنبورداری فقط تولید عسل نیست از مزیت های این صنعت در استان تولید محصولات و تنوع محصولات این صنعت از جمله ژل، گرده، نان و زهر زنبور عسل است.

وی بی توجهی به صنعت از سوی دولت را از مشکلات اساسی این صنعت دانست و گفت: با وجود ظرفیت صنعت زنبورداری در صادرات و اشتغالزایی و ... همانند سایر صنایع بخش کشاورزی از حمله دامپروری و ... به این صنعت توجه نمی شود.

وی کرده افشانی را از محورهای مهم صنعت زنبورداری دانست و گفت: متأسفانه به دلیل بی توجهی شاهد سمسپاشی باغات و مزارع هستیم در زمان گرده افشانی زنبورها که این امر موجب بروز مشکلاتی در تولید عسل در منطقه می شود.

حمیدزادگان خاطرنشان کرد: سم پاشی باغات علاوه بر عدم حضور فعالان صنعت زنبورداری در زمان گرده افشانی می شود بلکه موجب تلفات بالا در زنبورها و مشکلات زیاد در خصوص توسعه صنعت زنبورداری می شود.

مدیرعامل اتحادیه زنبورداران آذربایجان غربی نبود برند مخصوص صنعت زنبورداری در استان را از دیگر مشکلات این بخش عنوان کرد و گفت: هر چند در سال های اخیر برخی برندها در خصوص عسل در استان از سوی برخی شرکت ها ایجاد شده اما هنوز برند مخصوص استان در این صنعت نداریم که این امر در صادرات موجب می شود بخشی از عسل تولیدی به نام سایر استان ها صادر شود.

حمیدزادگان صادرات فله ای، عدم بسته بندی مناسب، بازاریابی، نبود برند، سمسپاشی و تلفات زنبورها را از مهمترین مشکلات پیش روی این صنعت دانست وخواستار توجه ویژه دولت در این زمینه شد.

وجود دلان و واسطه ها از وجود چالش های صنعت زنبورداری در آذربایجان غربی است

یکی از فعالان صنعت زنبورداری در خوی در گفتگو با خبرنگار ما گفت: درست است آذربایجان غربی قطب زنبور عسل کشور به شمار می رود اما چندان توجهی به فعالان این صنعت صورت نمی گیرد.

محسن زاده عنوان کرد: این بی توجهی ها و نبود زیرساخت های لازم موجب شده خیلی از فعالان با وجود زمینه و ظرفیت بالا در تولید تعدادکندوهای

خود را کاهش دهند. وی تلفات زنبورها به دلیل سمسپاشی بالا، پرداخت بسیار دیر هنگام خسارت‌های زنبورداران را چالش های این صنعت دانست که موجب دلسردی فعالان این بخش شده است.

محسن زاده وجود دلان و واسطه ها را از دیگر مشکلات این بخش دانست و افزود: زنبورداری برای کشاورزی سرشار از فایده است ولی نمی‌دانم چرا برخی‌ها به خاطر سود خودشان تیشه به ریشه این صنعت می‌زنند.

وی تأکید کرد: در صنعت زنبورداری دلان تولیدات را به صورت فله ای با قیمت ناچیز از تولید کننده خریداری و با قیمت های هنگفت به فروش می رسانند. کربمی از دیگر فعالان صنعت زنبورداری در ارومیه نیز گفت: یکی از مشکلات این صنعت مانند سایر صنایع در استان نبود مرکز مشاوره در خصوص تولید محصول است، افراد با هزینه شخصی بدون نیاز سنجی بازار داخلی و خارجی وارد بخش تولید می شود و در نهایت در ادامه دچار مشکل می شود.

وی با تأکید بر اینکه اگر مرکز مشاوره تولید در استان ایجاد شود تولید کننده با توجه به نیاز بازارها اقدام به تولید می کند،گفت: در کنار نبود مرکز مشاوره تولید بازاریابی نیز از دیگر مشکلات فعالان این صنعت است تولید کننده باید خودش دنبال بازار بگردد در حالی که با توجه به ظرفیت بالای عسل باید محصول تولیدی مانند سایر محصولات کشاورزی به صورت تضمینی خریداری شود.

ضرورت استفاده از ضرورت دیپلماسی مرزی برای صادرات محصولات کشاورزی

کربمی با اشاره به ظرفیت مرزی استان گفت: با استفاده از این ظرفیت مرزی و توان بالای استان در بخش کشاورزی و افزایش رقابت پذیری در بازار می توان در دستگاه دیپلماسی از ظرفیت سفرا برای معرفی این محصولات جهت صادرات و بازاریابی بهره جست. وی بروکراسی بالا و پریچ و خم در زمینه صدور مجوزهای لازم نیز گفت: پنجره واحد در حد حرف باقی مانده و عملا برای دریافت مجوز همچنان تولید کنندگان وفعالان صنعت با بروکراسی زیاد مواجه است. این فعال حوزه صنعت زنبورداری در ارومیه بانک‌های عامل و پروسه طولانی اخذ تسهیلات بانکی را از دیگر مشکلات این صنعت دانست و گفت: فعالان این بخش نیز همانند سایر فعالان صنعت در دریافت تسهیلات بانکی با بروکراسی و روند طولانی مواجه هستن این امر فعالان صنعت را دلسرد می کند.

در استانی که عنوان پایتخت زنبور عسل را یدک می کشد صادرات، برندسازی، رفع چالش های پیش رو باید در اولویت کار متولیان این حوزه باشد تا بتوان به آینده تولید و اشتغال پایدار و رونق صادرات امیدوار بود.

زباله هست، سطل نیست؛ چالش روزمره شهروندان ارومیه

آمارهای منتشرشده طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد میزان تولید زباله در ارومیه روندی افزایشی داشته است. برخی گزارش‌ها از تولید روزانه حدود ۵۰۰ تا ۵۵۰ تن زباله در شهر خبر می‌دهند و در برخی مقاطع نیز این رقم تا ۶۵۰ تن اعلام شده است.

افزایش جمعیت شهری، گسترش مصرف‌گرایی و نبود تفکیک گسترده زباله از مبدا از جمله عواملی است که حجم پسماند شهری را افزایش داده است. در چنین شرایطی طبیعی است که زیرساخت‌های قدیمی یا محدود پاسخگویی نیاز فعلی شهر نباشند. کارشناسان حوزه مدیریت شهری معتقدند توسعه شبکه مخازن زباله باید متناسب با رشد جمعیت و تغییر الگوی مصرف انجام شود، در غیر این صورت، مشکلاتی مانند انباشت زباله در برخی نقاط و کاهش بهداشت محیط اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

بهداشت شهری، قربانی کمبود امکانات

کمبود سطل‌های زباله تنها به مسئله نظافت شهری محدود نمی‌شود. باقی ماندن زباله در معابر یا انباشت آن در سطل‌های کوچک خانگی می‌تواند سلامت عمومی را نیز تهدید کند. در فصل گرما، زمانی که بوی زباله، حضور حشرات و احتمال آلودگی محیطی افزایش پیدا می‌کند، این وضعیت بیشتر خود را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر نبود مخازن کافی در برخی خیابان‌ها باعث شد بخشی از زباله‌ها در کنار جداول، زمین‌های خالی یا گوشه معابر رها شوند که علاوه بر آسیب به سیمای شهری، هزینه‌های پاکسازی را نیز افزایش



انتشار بوی نامطبوع، تجمع حیوانات شهری و ایجاد ناهماهنگی بصری در کوچه‌ها، بخشی از پیامدهای این وضعیت است.

برخی شهروندان معتقدند اگر تعداد مخازن شهری متناسب با جمعیت و میزان تولید پسماند افزایش یابد، دیگر نیازی به استفاده از سطل‌های شخصی در فضای عمومی نخواهد بود.

این در حالی است که طبق آمارهای رسمی، سرانه تولید زباله در ارومیه قابل توجه است و روزانه صدها تن پسماند از سطح شهر جمع‌آوری می‌شود. حجم بالای زباله، زیرساخت محدود

می‌دهد.

مدیریت پسماند، فراتر از جمع‌آوری زباله مدیریت پسماند تنها به انتقال زباله به محل دفن محدود نمی‌شود. نگارنده این گزارش معتقد است موفقیت در این حوزه نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ شامل افزایش تعداد مخازن، جانمایی اصولی، تفکیک از مبدا، فرهنگ‌سازی و استفاده از روش‌های نوین جمع‌آوری است.

شهرداری ارومیه در سال‌های اخیر اقداماتی مانند راه‌اندازی سامانه‌های مرتبط با تفکیک پسماند خشک را آغاز کرده است اما بسیاری از شهروندان همچنان معتقدند مشکلات ابتدایی‌تری مانند کمبود مخازن زباله هنوز حل نشده باقی مانده است.

مطالبه‌ای ساده اما مهم

شهروندان ارومیه مطالبه پیچیده‌ای ندارند، آن‌ها می‌خواهند در فاصله‌ای معقول به مخزن زباله دسترسی داشته باشند و محیط زندگی‌شان از وضعیت فعلی فاصله بگیرد. شاید افزایش تعداد سطل‌های زباله در نگاه اول اقدامی ساده به نظر برسد اما همین مسئله می‌تواند تأثیر مستقیمی بر بهداشت، زیبایی و کیفیت زندگی شهری داشته باشد.

ارومیه به‌عنوان یکی از شهرهای مهم شمال‌غرب کشور، برای رسیدن به استانداردهای مطلوب شهری، نیازمند توجه بیشتر به خدمات پایه‌ای است، خدماتی که اگرچه ساده به نظر می‌رسند اما نبود آن‌ها هر روز در زندگی مردم دیده می‌شود. / ایرنا

طرح نو؛ گروه گزارش

در حالی که شهر ارومیه روزانه با تولید صدها تن زباله مواجه است، کمبود مخازن شهری به یکی از مشکلات ملموس و روزمره شهروندان تبدیل شده است.

ارومیه روزانه صدها تن زباله تولید می‌کند، حجمی که مدیریت صحیح آن نیازمند زیرساختی گسترده و برنامه‌ریزی دقیق شهری است. براساس آمارهای منتشرشده از سوی مسئولان حوزه پسماند، روزانه بین ۶۰۰ تا ۶۵۰ تن زباله شهری در ارومیه جمع‌آوری می‌شود و بخشی دیگر نیز مربوط به مناطق روستایی اطراف است که به سایت دفن زباله منتقل می‌شود.

با این حال آنچه شهروندان در بسیاری از محله‌های ارومیه با آن مواجه‌اند، تصویری متفاوت از وضعیت مدیریت پسماند شهری را نشان می‌دهد. خیابان‌هایی که تعداد مخازن زباله در آن‌ها کافی نیست و مردم برای پیدا کردن نزدیک‌ترین سطل زباله، ناچارند مسیر قابل توجهی را طی کنند.

فاصله زیاد میان مخازن زباله

در بسیاری از مناطق شهر، فاصله میان سطل‌های زباله به اندازه‌ای است که شهروندان برای دسترسی به نخستین مخزن باید حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر حرکت کنند. این موضوع شاید در ظاهر مسئله‌ای جزئی به نظر برسد اما در زندگی روزمره به‌ویژه برای سالمندان، کودکان یا خانواده‌هایی که چند بار در روز زباله تولید می‌کنند، به یک معضل واقعی تبدیل شده است.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضایرانی

آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود

مجتمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۳۲۲۴۸۵۸۸-۰۴۴

لینتوگرافی و چاپ: پرنیان

خبر

تشریح آخرین وضعیت پروژه جایگاه شارژ اتوبوس‌های برقی؛ گامی در مسیر توسعه حمل‌ونقل پاک شهری



طرح نو؛ گروه شهری

مدیر پروژه سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری تبریز از تداوم عملیات اجرایی پروژه احداث ۸ جایگاه ویژه شارژ اتوبوس‌های برقی در میدان آذربایجان خبر داد.

رضا کیانی در تشریح آخرین وضعیت پروژه احداث ۸ جایگاه ویژه شارژ اتوبوس‌های برقی اظهار کرد: این پروژه در راستای توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل برقی شهری و تسهیل بهره‌برداری از ناوگان پاک، به این سازمان محول شده و در قالب دو فاز اجرایی در حال پیشرفت است.

وی با اشاره به آخرین وضعیت عملیات اجرایی در این پروژه ابراز کرد: در حال حاضر بخش عمده عملیات باکس‌گذاری انجام شده و سایر مراحل اجرایی پروژه طبق برنامه در حال پیشروی است.

کیانی در پایان سخنان خود خاطر نشان کرد: همچنین خاکبرداری برای رسیدن به کد زیرسازی به طور کامل انجام شده و عملیات درزگیری و تکمیل بخش‌های عمرانی در دستور کار قرار دارد و پروژه در مسیر پیشرفت منظم قرار گرفته است.

لازم به ذکر است پروژه احداث ۸ جایگاه ویژه شارژ اتوبوس‌های برقی در میدان آذربایجان به کارفرمایی شرکت اتوبوسرانی با مجری گری سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری تبریز در حال اجرا است.

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

دوشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۴۰۵ - سال بیستم - شماره ۳۵۵۶

جامعه خوب از شهروند خوب آغاز می‌شود



فرهنگ عمومی تبدیل می‌شوند. اگر این فرهنگ بر پایه قانون‌مداری، احترام و مشارکت شکل بگیرد، جامعه نیز به همان سو حرکت خواهد کرد. از سوی دیگر، شهروند مسئول و وظیفه‌شناس، فشار بر نهادهای انتظامی، قضایی و اجرایی را کاهش می‌دهد. در جامعه‌ای که مردم آن بسیاری از اصول را از سر وجدان رعایت می‌کنند، نیازی نیست برای هر رفتار نادرست، ده‌ها قانون و ناظر و جریمه در نظر گرفته شود. هر اندازه حس مسئولیت فردی بالاتر رود، هزینه‌های اجتماعی ناشی از تخلف، بی‌نظمی، اسراف و تضییع حقوق عمومی کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، انرژی و منابع کشور به جای جبران آسیب‌ها، صرف پیشرفت، رفاه و آبادانی می‌شود.

نباید فراموش کرد که محیط زندگی ما، بازتاب رفتارهای خود ماست. اگر از آلودگی، بی‌نظمی، ترافیک، بی‌تفاوتی و کاهش اعتماد اجتماعی گلایه داریم، باید سهم رفتارهای فردی و جمعی خود را نیز در شکل‌گیری این وضعیت ببینیم. شهر و جامعه چیزی جدا از ما نیست؛ نتیجه مستقیم کردار، فرهنگ و میزان توجه ما به مسئولیت‌های شهروندی است. به همین دلیل، اصلاح جامعه از جایی دور و دست‌نیافتنی آغاز نمی‌شود، بلکه از خود ما، از خانه‌های ما، از کوچه و محله ما شروع می‌شود.

در این میان، یکی از مهم‌ترین دلایل ضرورت توجه به شهروندی خوب، تأثیری است که بر نسل آینده گذاشته می‌شود. کودکان و نوجوانان بیش از آن‌که با نصیحت تربیت شوند، با مشاهده رفتار بزرگ‌ترها می‌آموزند. وقتی آنان در عمل می‌بینند که بزرگ‌ترها قانون را دور می‌زنند، حقوق دیگران را نادیده می‌گیرند یا نسبت به

منافع عمومی بی‌اعتنا هستند، همان الگو در ذهنشان نهادینه می‌شود. در مقابل، اگر مسئولیت‌پذیری، انصاف، مشارکت و احترام به حقوق دیگران را در رفتار روزمره ببینند، آن را به عنوان یک شیوه طبیعی زندگی اجتماعی خواهند پذیرفت. بنابراین، هر شهروند امروز، در واقع سازنده فرهنگ فرداست. اما شهروند خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟ نخستین ویژگی، حس مسئولیت‌پذیری است. شهروند خوب نسبت به محیط پیرامون خود بی‌تفاوت نیست. او خود را در قبال پاکیزگی شهر، آرامش محله، حفظ منابع طبیعی و رعایت حقوق دیگران مسئول می‌داند. از زیر بار وظیفه شانه خالی نمی‌کند و تصور نمی‌کند که مسئولیت امور عمومی تنها بر دوش نهادهای رسمی است.

ویژگی دوم، قانون‌مداری است. شهروند خوب قوانین را نه فقط از ترس جریمه، بلکه از سر وجدان و احترام به نظم اجتماعی رعایت می‌کند. او می‌داند که قانون، ستون جامعه جمعی است و بی‌اعتنایی به آن، در نهایت به زیان همگان تمام می‌شود. احترام به حق تقدم، رعایت سکوت در آپارتمان، حفظ اموال عمومی و پرهیز از تخلف، همه مصادیق همین قانون‌مداری روزمره‌اند. مشارکت اجتماعی نیز از دیگر نشانه‌های شهروندی مطلوب است. جامعه سالم با تماشاگران منفعل ساخته نمی‌شود. شهروند خوب در سرنوشت محله، شهر و جامعه خود احساس تعلق دارد. در فعالیت‌های جمعی مشارکت می‌کند، به نیازمندان بی‌اعتنا نیست، پیشنهاد می‌دهد، همکاری می‌کند و برای بهبود محیط زندگی خود قدم برمی‌دارد.

در کنار این‌ها، آگاهی و یادگیری مستمر نیز نقشی

استاندار چه می‌گوید؟

بهرام سرمست، استاندار آذربایجان شرقی، نیز در این نشست مشترک، بر ضرورت «کار تیمی» و هماهنگی میان دستگاه‌ها تأکید کرده و گفته است که تجربه بحران‌های اخیر نشان داده که همدلی مهم‌ترین عامل عبور از مشکلات است.

وی ضمن اشاره به پیگیری پرونده‌های قدیمی مانند اراضی خاوران، اعلام کرده است که مدیریت استان در کنار شورای شهر برای رفع موانع خدمت‌رسانی قرار دارد؛ هرچند تأکید کرد که مدیران شهری نیز باید به وظایف خود عمل کنند. با این حال، آن چه که از اخبار مشخص است، ظاهر استاندار، وعده و توضیح مشخصی درباره چرایی تساهل دستگاه‌های خدمات‌رسان، زمان‌بندی تکمیل زیرساخت‌های شهرک جوانان یا موعد بهره‌برداری از واحدهای مسکونی ارائه نکرده است. البته همان‌گونه که اشاره شد، ظاهر استاندار به نوبه خود تکالیف دستگاه‌ها را ماه‌ها پیش مشخص و ابلاغ کرده است و حال باید منتظر توضیحات و اقدامات این دستگاه‌ها برای چرایی انفعال برابر ابلاغ شخص اول اجرایی استان باشند.

آینده نامعلوم یک وعده بزرگ

به تعبیری شهرک جوانان امروز به آزمونی برای مدیریت شهری و دولت در آذربایجان شرقی تبدیل شده است. در شهری که بنا بر برآوردها نزدیک به نیم میلیون نفر در حاشیه آن زندگی می‌کنند، سرنوشت یک‌هزار و ۲۰۰ واحد مسکونی شاید به تنهایی نتواند بحران را حل کند؛ اما می‌تواند نشان دهد آیا وعده بازآفرینی شهری در تبریز از مرحله سخنرانی‌ها عبور خواهد کرد یا نه.

اگر حسابی سرانگشتی داشته باشیم و میزان ساکنان بافت مناطق حاشیه‌ای تبریز را ۴۰۰ هزار نفر فرض کنیم و بنا را بر این بگیریم که همه یک‌هزار و ۲۰۰ واحد مسکونی احداث شوند و در آن خانوارهایی با تعداد اعضای سه الی چهار نفر ساکن شوند، تقریباً یا حل مسکن جوانان حدود ۱۰ درصد از ساکنان این مناطق منتقل خواهند شد که هر چند در قیاس با کل بحران کم است اما به نوع خود آمار قابل توجهی از این موضوع را به خود اختصاص می‌دهد.

فعلاً آنچه از دل نشست‌های رسمی بیرون آمده، بیش از آنکه خبر افتتاح و اسکان باشد، روایت تکراری اختلاف نهادها، کمبود زیرساخت و پروژه‌های است که هنوز میان وعده و واقعیت معلق مانده است.

شهرک جوانان تبریز در «وقت اضافه»



آمارهای منتشرشده در سال‌های اخیر، بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر از جمعیت تبریز در مناطق حاشیه‌ای و سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند؛ رقمی که معادل حدود یک‌چهارم تا یک‌سوم جمعیت این کلان‌شهر است. کارشناسان شهری بارها هشدار داده‌اند که بخش مهمی از این جمعیت در مناطقی با دسترسی محدود، معابر غیراستاندارد و خطر بالای آسیب‌پذیری در برابر زلزله ساکن هستند.

در سال‌های گذشته نیز مسئولان از وجود حدود ۴۸ هکتار بافت پرخطر در تبریز سخن گفته‌اند و نسبت به پیامدهای وقوع زلزله در این مناطق هشدار داده‌اند. در همین چارچوب، انتقال ساکنان برخی از بافت‌های پرخطر به مجموعه‌های مسکونی جدید به یکی از سیاست‌های اصلی مدیریت شهری تبدیل شد؛ سیاستی که اکنون شهرک جوانان مهم‌ترین نماد آن محسوب می‌شود.

پروژه‌های برای جابه‌جایی ساکنان مناطق پرخطر

غلامرضا احمدی، رئیس شورای شهر تبریز، در دیدار با استاندار گفته است که هدف اصلی این پروژه، کمک به انتقال ساکنان «۴۸ هکتار بافت پرخطر» در شمال تبریز است؛ مناطقی که در صورت وقوع زلزله می‌توانند به یکی از کانون‌های بحران انسانی تبدیل شوند.

روح‌اله رشیدی، سخنگوی شورای شهر تبریز، در توصیف اهمیت پروژه شهرک جوانان گفته است: «شمارش معکوس برای حل این مسئله شروع شده و ما می‌توانیم از این فرصت برای حل بخشی از مسئله استفاده کنیم.»

چرا پروژه کند پیش می‌رود؟

با وجود تأکیدهای مکرر تقریباً تمامی اعضای شورای شهر در

گزارشی

طرح نو؛ گروه شهری

به تعبیری شهرک جوانان امروز به آزمونی برای مدیریت شهری و دولت در آذربایجان شرقی تبدیل شده است. در شهری که بنا بر برآوردها نزدیک به نیم میلیون نفر در حاشیه آن زندگی می‌کنند، سرنوشت یک‌هزار و ۲۰۰ واحد مسکونی شاید به تنهایی نتواند بحران را حل کند؛ اما می‌تواند نشان دهد آیا وعده بازآفرینی شهری در تبریز از مرحله سخنرانی‌ها عبور خواهد کرد یا نه.

شهرک جوانان، پروژه‌ای که شورای ششم شهر تبریز آن را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی معرفی کرده بود، اکنون به نقطه‌ای رسیده که اعضای شورای شهر در فرصت «وقت اضافه» و در دیدار با استاندار آذربایجان شرقی طی روزهای گذشته، از عملکرد دستگاه‌های خدمات‌رسان و روند اجرایی آن انتقادهای جدی‌تری کردند و از وی خواستند هرچه سریع‌تر این دستگاه‌ها را پای کار بیاورد.

هر چند تا‌بحال دستگاه‌های خدمات‌رسان هیچ توضیحی درخصوص چرایی عدم ورود جدی به این شهرک نداده‌اند، اما آن‌چه که محرز است، ابلاغ رسمی بهرام سرمست به هر کدام از دستگاه‌ها در بازدید چندین ماه قبل‌شان از این شهرک بود که ظاهراً به گفته اعضای شورای شهر تبریز همان جا برایشان صورت‌جلسه شده است.

برای مطالعه از دستگاه‌های خدمات‌رسان روزهای آینده، «آن‌اج» سلسله گفتگوهایی خواهد داشت؛ اما در این مجال به بررسی مواضع شورا و وعده‌ها و پاسخ استاندار به آنان برای پروژه‌ای که قرار بود به نماد بازآفرینی شهری و انتقال ساکنان مناطق پرخطر تبدیل شود، می‌پردازیم؛ چراکه همان‌طور که گفته شد، این پروژه درگیر کندی اجراء اختلاف میان دستگاه‌ها و کمبود زیرساخت‌های خدماتی است.

نیم میلیون حاشیه‌نشین در تبریز

بحران حاشیه‌نشینی در تبریز موضوع تازه‌ای نیست. بر اساس